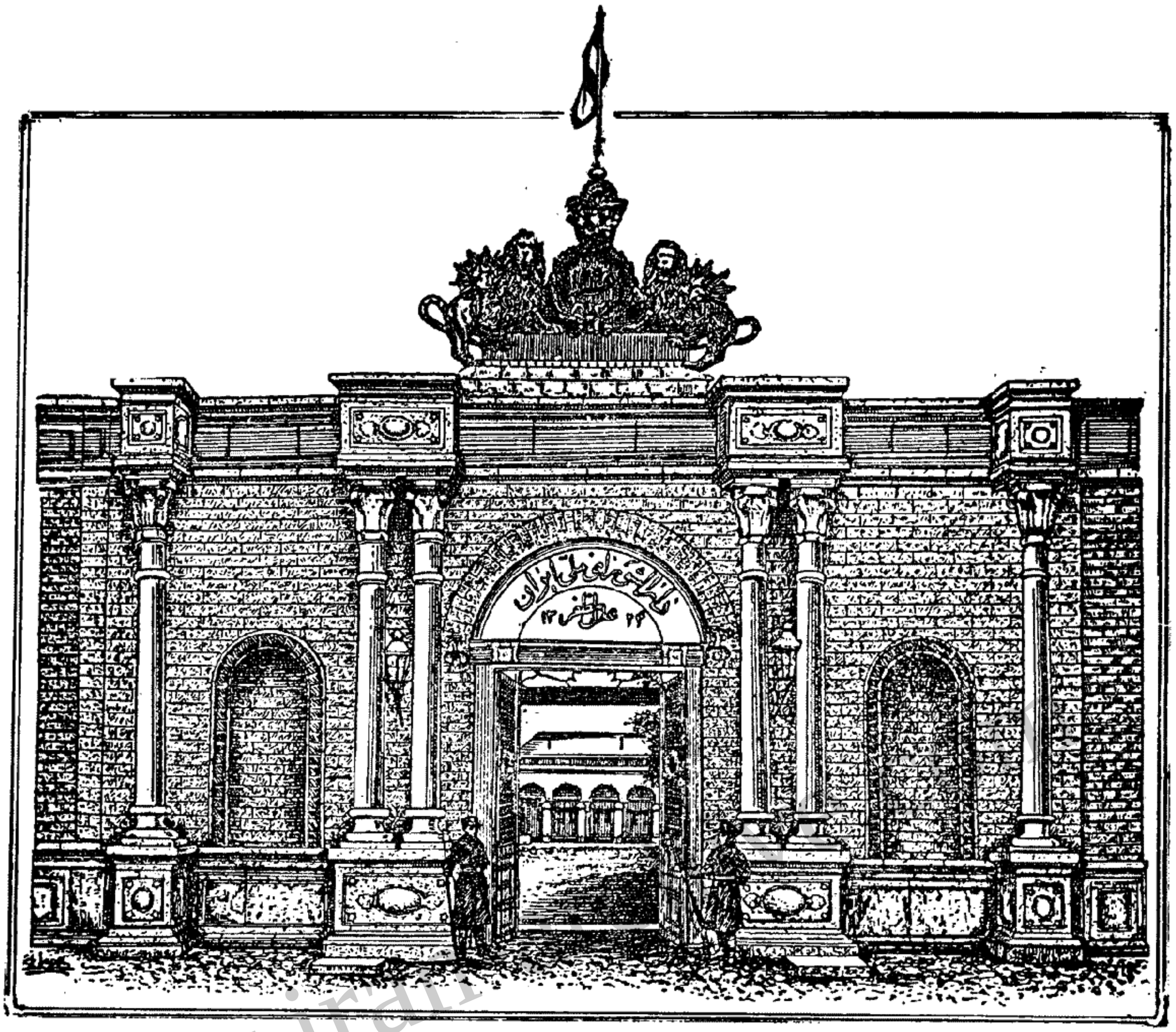

مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس یوم پنجشنبه ۳ آذرماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۰ شهر جمادی‌الاولی ۱۳۴۵

جلسه ۳۳

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل و صورت مجلس سه‌شنبه اول آذر قرائت وتصویب شد.

غائبین بااجازه — آقایان : میرزا عبدالباقی جمشیدی مازندرانی . حاج میرزا حبیب‌الله امین . هاشم‌آقا ملک‌مدنی . علی‌خان اعظمی - میرزا حسین‌خان دادگر - آقاسید حسن‌مدرس . میرزا محمد تقی بهار طباطبائی دیبا .

غائبین بی‌اجازه — آقایان : محمدولی‌خان اسدی - فیروز میرزا فیروز - میرزا ابراهیم‌خان قوام محمدهاشم میرزا افسر .

دیرآمدهٔ با اجازه - آقای داور .

دیرآمدگان بی‌اجازه — آقایان : میرزا سیدمهدی‌خان‌فاطمی مرتضی‌قلی‌خان بیات - نظام مافی - شریعت‌زاده - آقا رضا مهدوی.

آقای آقا سید یعقوب در تعقیب مذاکرات جلسهٔ یکشنبه راجع بحبس تجار ایرانی در بادکوبه شرحی‌مشعربه‌لزوم اقدام جدی از طرف دولت و مجلس برای استخلاص آنها تقریر وآقای رئیس اظهار نمودند از طرف هیئت رئیسه اقدامات لازمه بطور خصوصی ورسمی بعمل آمده ومجدداً بدولت تأکید خواهد شد.

آقای دولتشاهی تقاضا نمودند بدولت تذکر داده بشود نظریات خود را راجع باصلاح قانون استخدام کشوری‌به کمیسیون ارسال نموده که زودتر تکلیف آن معین شود .

آقای محمدولی‌میرزا راجع بشکایات واصله از آذربایجان مشعربه‌سوءاجراء قانون ممیزی ومخالفت نظامنامه مدونه از طرف وزارت مالیه با قانون مزبور ومطالبهٔ مالیاتهای صنفی وتحمیل عوارض جدیده براصناف جزء و لزوم جلوگیری ازمسائل مذکوره شرحی اظهار ودو فقره خبر از کمیسیون عرایض ومرخصی راجع به مرخصی دوماهه آقای داور و مرخصی سه‌ماههٔ آقای حاج‌حسن‌آقا ملک قرائت ونسبت به‌هر یک جداگانه رأی گرفته تصویب گردید.

پیشنهادی از طرف آقای عمادی وعدهٔ ازآقایان نمایندگان مشعربتقاضای تشکیل کمیسیونی بنام کمیسیون اصلاحات‌اقتصادی مرکب از نه نفر قرائت وآقای عمادی تقاضا نمودند بجای نه نفر ششنفر نوشته شود .

آقای فاطمی نظر باینکه تشکیل این کمیسیون را بدون نتیجه میدانستند مخالف وآقای حائری‌زاده موافق بودند.

آقای عدل پیشنهادنمودند بجای شش‌نفر دوازده‌نفر ازشعب معین شود وپس از قدری مذاکره نسبت به‌پیشنهاد ایشان رأی گرفته تصویب نگردید پس از آن نسبت باصل پیشنهاد یعنی تشکیل کمیسیون اخذ رأی شده رد شد .

خبرکمیسیون داخله راجع بقانون بلدی از ماده هشتم مطرح ودر مادهٔ مزبور مخالفی‌نبود ودرماده نهم‌آقای‌ارباب کیخسرو عقیدمشان این بود که چون اشخاص‌به‌امور محلی خود ابصراز دیگران هستند به ترتیبی که در قانون سابق پیش‌بینی شده بود اعضاء انجمن بلدی از محلات انتخاب شوند وآقای حائری‌زاده اظهار مینمودند این مسئله برای سهولت امر در نظر گرفته‌شده معهذا ممکن است پیشنهاد نمایند ودرکمیسیون تحت شور واقع شود .

آقای آقاسید یعقوب اظهار مینمودند چون بعضی از قصبات بیش از دوهزار جمعیت دارند ودر ابتداء ماده تشکیل بلدیه اختصاص بشهر داده شده بایستی ترتیبی داده شود که اهالی قصبات هم از این حق محروم نباشند.

آقای معاون وزارت‌داخله اظهارنمودند درلایحهٔ که برای‌تقسیمات مملکتی تنظیم میشود کلمه شهر برنقاطی اطلاق خواهد شد که دارای هفت هزار وپانصد نفر جمعیت باشد و البته عدهٔ کمتراز این هم نمی‌توانند مخارج بلدیه را تکفل نمایند وبایستی برای قصبات وقراء ترتیب دیگری درنظرگرفته شود.

یک‌فقره پیشنهاد از طرف آقایان ارباب کیخسرو وساگینیان و پنج‌فقره از طرف آقایان فیروزآبادی - احتشام‌زادهشیروانی - آقا سید یعقوب و میرممتاز قرائت وبکمیسیون ارجاع شد.

در مادهٔ دهم آقای آقا سیدیعقوب عقیدمشان این بوددورهٔ وکالت اعضاء انجمن سه‌سال ودر انقضاء هرسال یک ثلث بحکم قرعه خارج و عوض آنها انتخاب شود و آقای‌ضیاء مخبرکمیسیون یکسال را برای حصول نتیجه عملیات انجمن غیرکافی میدانستند.

آقای عباس‌میرزا عقیدمشان این بود دورهٔ انجمن بلدی دوسال و درموقع انتخابات مجلس شورای ملی‌کسانی‌که دردرجهٔ دوم حائز اکثریت هستند به‌عضویت انجمن بلدی معین شوند.

آقای مخبر اظهار نمودند علاوه‌براینکه اینمسئله اشکال دارد اعضاء انجمن بلدی بایستی از طرف اهالی شهرهاونمایندگان مجلس شورای ملی ازطرف عامه انتخاب شوند و این ترتیب غیرممکن است.

شش‌نفره پیشنهاداز طرف‌آقایان: ساگینیان، فهیمی، میرممتاز شریعت‌زاده، عدل وآقاسید یعقوب قرائت وبه کمیسیون ارجاع گردید

درمادهٔ یازده آقای آقا سید یعقوب‌سن انتخاب‌کنندگان را بیش از هیجده وشرط داشتن‌سواد را برای آنها غیرضروری‌دانستند و آقای حائری‌زاده موافق بودند.

آقای یاسائی عقیدمشان این بود حدی برای داشتن سواد معین شود و آقای مخبراظهار مینمودند برای رأی دهندگان‌داشتن سواد خیلی مختصرکافی‌است.

هشت فقره پیشنهاد از طرف آقایان: ساگینیان، فهیمی، میرممتاز، فرشی، عدل، نظامی، آقا سید یعقوب ویاسائی قرائت ویکمیسیون مراجعه‌گردید.

درمادهٔ دوازدهم آقای امیر حسینخان بختیاری با محرومیت اشخاصی‌که از بابت‌عوارض بلدی بقایا دارند مخالف بوده وآقای حاج آقا رضا رفیع به‌علاوه شرط بی‌سوادی را برای محرومیت از انتخاب نمودن لازم میدانستند.

پنج‌فقره پیشنهاد از طرف آقایان: بهبهانی، افشار، امیر حسینخان، عمادی، وفرشی قرائت وبکمیسیون مراجعه شد.

درمادهٔ سیزدهم آقایان: میرزا عبدالله‌خان وثوق وبهبهانی با محرومیت اعضاء ادارهٔ بلدیه از حق انتخاب‌کردن مخالف‌بوده و آقای حائری‌زاده اظهار مینمودند چون وظیفهٔ انجمن بلدی‌نظارت در امور اعضاء اداری بلدیه است انتخاب آنها از طرف اعضاء صحیح نیست.

هفت فقره پیشنهاد از طرف آقایان: بهبهانی، آقا شیخ محمدعلی،ثابت، میرزا ابراهیم‌خان ملک‌آرائی، میرزاعبدالله‌خان وثوق، میرممتاز، نجومی و احتشام‌زاده قرائت وبکمیسیون ارجاع گردید.

درمادهٔ چهارده آقای آقا سید یعقوب سی‌سال رابرای‌انتخاب

شوندگان غیرکافی دانسته‌و آقای مخبر اظهارنمودند منظور کمیسیون هم سی‌وپنجسال بوده و درموقع استنساخ یا طبع اشتباه شده و اصلاح خواهد شد و آقای ارباب کیخسرو عقیدمشان این‌بود چون مقیاسی برای کفایت خط وسواد فارسی معین نیست باندازهٔ معلومات شش‌ساله ابتدائی برای انتخاب شوندگان شرط شود.

آقای حائری‌زاده اظهار مینمودند نظربااینکه مؤسسات‌معارفی دربسیاری از نقاط مملکت موجود نیست قیداین‌شرط سبب‌محرومیت اهالی خیلی ازنقاط خواهدشد.

هفت فقره پیشنهاد ازطرف آقایان: یاسائی، بهبهانی،روحی، آقا سیدیعقوب، احتشام‌زاده، ارباب کیخسرو وحقنویس قرائت و بکمیسیون ارجاع شد.

در مادهٔ پانزدهم آقای شریعت زاده عقیدمشان این بود جنایات عموماً سبب محرومیت شود وآقای احتشام‌زاده عقیدمشان این بود اعضاء ادارهٔ بلدیه هم از حق انتخاب شدن محروم‌شوند و آقای مخبر اظهار مینمودند چنانچه اعضاء بلدیه از طرف اهالی انتخاب شوند بواسطهٔ بصیرتی‌که دارند اولی و احق خواهندبود و بالاخره هشت فقره پیشنهاد از طرف آقایان: امامی، افشار، میرممتاز، عدل، روحی، فهیمی، احتشام‌زاده و شریعت‌زاده قرائت و بکمیسیون مراجعه شد.

دراین موقع جلسه برای تنفس تعطیل وبفاصلهٔ نیمساعت مجدداً تشکیل و آقای وزیرمالیه‌درجواب سؤال آقای محمدولیمیرزا راجع بشکایات مطابع تبریز ومخارج بلدیه اظهارنمودند بتمام ولایات دستور داده شده‌اوراق دولتی باستثناءاوراق قیمت‌دار درمجلس طبع شود و چنانچه تخلف شده باشد مؤاخذه خواهد شد و راجع بمخارج بلدیه هم سی‌وشش هزارتومان صورت رسیده‌بود و حواله شدو پس‌ازآنکه صورت عایدات‌بلدیه رسید و معلوم شد شصت وششهزارتومان است دستور صادر شد صورت اضافه‌مخارج را ارسال دارند تا مجدداً حواله شود و ضمناً لایحهٔ راجع بالغاء مالیاتهای صنفی محتوی دو ماده به‌مجلس تقدیم و چون تقاضای فوریت شده بود آقای شیروانی اظهارنمودند عین این موضوع از طرف‌کمیسیون بودجه پیشنهاد شده و ممکن است درجلسهٔ آتیه مطرح شود و آقای وزیرمالیه نیز موافقت نموده و تعیین تکلیف آن بجلسهٔ آتیه موکول شد.

مادهٔ شانزدهم قانون بلدی مطرح و آقای یاسائی عقیدمشان این بود برای تعیین انجمن نظارت عدهٔ از اهالی محلات بحکومت معرفی و ازبین آنهاعدهٔ لازم انتخاب شود و آقای مخبراظهار مینمودند همین ترتیب‌که معین شده اسهل بوده و طریق دیگر تولید اشکال خواهد نمود.

دوفقره پیشنهاد از طرف آقایان: میرممتاز وحیدری ودوفقره اصلاح راجع بمادهٔ هفدهم ازطرف آقایان آقا سید یعقوب ومیرممتاز قرائت وبکمیسیون ارسال شد.

در مادهٔ هیجدهم آقای آقاسید یعقوب عقیدمشان این بود درصورت عدم حصول اکثریت تام اکثریت نسبی قید شده وشعب فرعی انجمن نظارت ازسه الی پنج‌نفر معین شود و آقای احتشام‌زاده معتقد بودند اعضاء انجمن نظارت محلات از اهالی محل انتخاب شوند.

آقای حائری‌زاده انجمن سه‌نفری را غیرکافی‌دانسته وآقای مخبراظهار مینمودند مسئلهٔ اکثریت نسبی در مادهٔ۳۶قیدشده و انتخاب انجمن نظارت هم از طرف محلات مناسب نبوده زیرا ممکن است در بعضی محلات اشخاص‌واجد شرایط لازمه موجود نباشند.

دوفقره پیشنهاد ازطرف آقای میرممتاز وسه‌نفره ازطرف‌آقایان: آقا سید یعقوب، فرشی و احتشام‌زاده قرائت وبکمیسیون ارجاع گردید.

جلسهٔ آتیه بروز یکشنبه ششم آذرماه سه‌ساعت قبل‌ازظهر و دستورآن خبرکمیسیون بودجه راجع بالغاء مالیاتهای صنفی و خبرکمیسیون داخله راجع بقانون بلدی مقرر و مجلس نیمساعت بعدازظهرختم شد.

نسبت بصورت مجلس مخالفی نبود و تصویب‌گردید.

یکشنبه ۶ آذرماه ۱۳۰۵

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین

منشی - سیدابراهیم ضیاء

منشی - میرزا حسن خان موقر

صورت مشروح‌مجلس‌پنجشنبه سوم‌آذرماه۱۳۰۵ مطابق‌نوزدهم‌جمادی‌الاولی۱۳۴۵

مجلس دوساعت ونیم قبل‌ازظهر بریاست آقای تدین تشکیل‌گردید صورت مجلس سه شنبهٔ اول آذرماه‌را آقای آقا سیدابراهیم ضیاء قرائت نمودند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب - قبل‌از دستور.

رئیس - آقای دولتشاهی. (اجازه)

دولتشاهی - قبل‌از دستور.

رئیس - آقای محمدولیمیرزا. (اجازه)

محمدولی‌میرزا - قبل‌از دستور.

رئیس - آقای حقنویس. (اجازه)

حقنویس - قبل‌از دستور.

رئیس - آقای دکترسنگ. (اجازه)

دکترسنگ - بنده راجع بآقای جمشیدی خواستم عرض‌کنم بواسطهٔ کسالتی‌که داشتند نتوانستند حاضر شوند، شرحی هم بحضور مبارك عرض‌کرده بودند، در اینجا غائب بی‌اجازه نوشته شده است .

رئیس — آنشرح فرستاده شده است بکمیسیون عرایض و مرخصی هرطوریکه تصمیم بگیرند اینجا اصلاح میشود ، نسبت

www.iran-archive.com

بصورت مجلس مخالفی نیست ؟
(گفته شد : خیر)
رئیس — صورت مجلس تصویب شد ، آقای آقاسید یعقوب (اجازه) .
آقاسید یعقوب — یک موضوعی را میخواستم تذکر بدهم گرچه میدانم که هم مجلس شورای ملی‌متوجه باین مسأله است و هم دولت متوجه است وهم مقام ریاست هم‌اقدام کرده است لیکن برای خاطر اینکه توجه داده شود که حقیقة مجلس وملت علاقه‌مند هستند باینموضوع ، کسانی که مستحضر باشنددرمدت انقلاب (کسانیکه ذیعلاقه باشند نسبت باین مملکت) بنده در سهم خودم عرض میکنم که وطن ثانی بنده گیلانست ، گیلان یک حق آزادیخواهی نسبت بایران دارد ، بعد از آذربایجان‌حقیقة سلحشوری وجانفشانی گیلانیان تواریخ ایرانرا روشن کرده است و همه‌کس میداند ، ما نسبت بگیلان حقیقة آنقدر که ممکنمان باشد باید توجه کنیم، بنده در انتخابات‌آنجاصحبتی ندارم چون‌آن یک جریان مخصوصی دارد . عرض بنده فعلا راجع بحبس تجار گیلانست که حقیقة یک امر خیلی بغرنجی شده است ، بنده‌هرروز تمام روز تلگرافات را میخوانم باین مسأله که‌میرسم حقیقةمتعجب ومتأسف میشوم که یک‌تجاری‌را دعوت بکنند برای تجارت ، بعد که بروند تجارت کنند سرمایه‌شانرا بگیرند وخودشانرا هم حبس کنند، بنده معتقدم که باید در اینمسأله فکری بشود واز طرف مقام ریاست بوزارت خارجه دستور ، تعقیب توصیه ، دست محبت، دست‌وداد ، که این ایرانیهای بیچارهٔ بدبخت ازاین ذلت‌خلاص شوند ، این است دردی که میخواستم عرض کنم ، باید فکری کرد که این تجار بدبخت سرنگون شده راحت شوند .
رئیس — اقدامات لازمه بطور خصوصی و بطور رسمی از طرف هیئت رئیسه دراین باب شده است ، باز هم بواسطهٔ علاقه‌مندی که مجلس نسبت باینموضوع دارد با اجازه مجلس ثانیاً هم تأکید میشود ، آقای دولتشاهی . (اجازه).
دولتشاهی — مسألهٔ لزوم تجدید نظر در قانون استخدام کشوری از مسائلی بود که برهمهٔ آقایان واضح بود و مجلس شورای ملی هم باهمیت این مسأله توجه کرده ودر اوائل‌افتتاح مجلس کمیسیونی‌برای‌این کارمعین‌شد وآن کمیسیون هنوزشروع بکار نکرده بود که آقای رئیس‌الوزراء در مجلس اظهار فرمودند « کمیسیون عملیاتی نکند تا دولت نظریات خودش را بفرستد » از آن تاریخ ببعد که خیلی هم نمیگذرد هنوز نظریات دولت نرسیده است . بعقیده بنده مجلس شورای ملی ادای وظیفه کرده است ولی دولت هنوز ادای وظیفه نکرده است یعنی هنوز نظریات خودش را نداده است وکمیسیونهم هنوز موفق نشده است‌راپرت بدهد . از این تأخیر غیرمناسب بنده همچه میفهمم که قانون استخدام در وزارتخانه‌ها اجرا نمیشود والا اگر در مقام اجرا وعمل آمده بود اشکال نداشت که نواقص آنر ادر نظر بگیرند و بمجلس بفرستند . تصور میکنم هنوز در وزارتخانه‌ها فکر میکنند که‌فلان ماده اگر اجرا میشد بچه موانعی برمیخورد و چه‌موانعی داشت ودر آنصورت چطور اصلاح میشد والا این اندازه تأخیر موجبی نداشت. بنده‌خواستم‌از مقام ریاست‌تقاضا کنم که بهیئت دولت‌تذکر بدهند که همینطور که‌مجلس‌شورای‌ملی‌ادای وظیفه کرده‌است دولت‌هم ادای تکلیف‌بکند که کمیسیون‌بتواند قدمهائی که‌لازم‌است بردارد.
رئیس — آقای محمدولی میرزا . (اجازه)
محمد ولی‌میرزا — مسألهٔ را که بنده میخواهم حضور محترم آقایان عرض کنم راجع باجرای قانون ممیزیست که در بعضی از قسمتهای مملکت تولید یک اشکالات فوق‌العاده کرده است . تصور نشود که آن اندازه در قانون نواقص باشد . خیر بلکه نظامنامهٔ که وزارت مالیه نوشته است ومعتقد است که آن‌نظامنامه دارای یک موادیست که قانون‌ممیزی‌را سریعاً بجریان می‌اندازد، بعکس آن نظامنامه تولید یک مشکلات عظیمی کرده است و بعقیدهٔ بنده بعضی مواد آن نظامنامه تباین کاملی با مواد قانون پیدا کرده است و بیشتر اشکالاتی هم که ایجاد شده است بهمین واسطه است . مثلا در آذربایجان قانون ممیزی برخورده است‌بیک مشکلات فوق‌العادهٔ واسباب زحمت عموم را فراهم کرده است و تا کنون بوسیلهٔ نمایندگان آذربایجان تلگرافاتی هم بمقامات مربوطه مخابره شده است، بنده خیلی متحیر هستم با اینکه وزارت مالیه که باید منتهای کوشش وسعی را بکند ونظامنامهٔ را که برای اجرای قانون مینویسد طوری باشد که حتی‌الامکان قانون‌را سهل‌الاجراء کند ودر واقع آسان بجریان بیندازد وبرعکس مثل این است که مخصوصاً تعمق وتعمد کرده‌اند که موادی پیدا کنند که‌قانون‌را دچار اشکال کند !! ودر واقع هم یک قسمت اعظم برمیگردد بخود قانون‌گذار بجهة اینکه مردم وقتیکه‌می‌بینند یک موادی هست که در موقع عمل تولید اشکال‌میکند البته آنها شکوه و گله‌مند از قانون‌گذار خواهند شد و این مسئله برمیخورد بهمه آقایان وگمان میکنم آقایان محترم نباید راضی شوند که وزارت‌مالیه بواسطه نظامنامه‌های خودش قانون را بیک صورت بدی جلوه‌گر کند. مثلا بنده یکی از فقراتی که در نظر دارم ، (چون تلگرافات‌زیادی دراین باب شده است) در مادهٔ پانزده‌قانون ممیزی مینویسد که وزارت مالیه مکلف است پس از تصویب‌این قانون شروع به‌ممیزی نماید وپس از دوسال کلیه مالیاتهای املاك اربابی ودواب را درتمامی مملکت برطبق مقررات این‌قانون مأخوذ دارد واین مادهٔ قانون است . نظامنامه چه‌میگوید ؟ میگوید : هرگاه مالکی دو ملک داشته باشد ودر نتیجهٔ‌اجرای قانون جدید مالیات یکی اضافه دیگری نقصان حاصل کند در اینصورت لازم است جمع مالیات جدید آن دو ملک با مالیات‌قدیم مقایسه شده اگر جمع مالیات جدید نسبت به‌قدیم زیاد یاسساوی درآید ادارهٔ مالیه مجاز خواهد بود برطبق مادهٔ سیزدهم رفتار نماید ولی اگر جمع مالیات جدید کمتر از مالیات جزوجمع باشد مالیات قدیم هردو ملک را بایدمطالبه‌وواصل نماید کجای‌این نظامنامه‌تطبیق میکند با آن چیزیکه اینجا قرائت شد ؟! ابداً در اینجا همچو چیزی ذکر نشده وقتی هم که این ماده را میخواهند اجراء کنند : زورهم پست سرش میگذارندو البة اسباب شکایت

و شکوه مردم فراهم میشود آنوقت شکایت وگله‌مندی از که‌دارند؟ از قانون‌گذار ! هیچیک از آقایان این ماده را شنیده بودید ؟ (شاید خیلی کمتر) مردم نمیدانند که این نظامنامه در وزارت مالیه در یکی از شعبات یا در یکی از ادارهٔ‌عایدات مستقیم دونفر سه‌نفر می‌نشینند و یک چنین چیزی طرح میکنند ومخابره میکنند بولایات وتمام قوای دولت هم پشت سراین نظامنامه است که باید اجرا شود . آنوقت نتیجه چه میشود ؟ یک حس عدم رضایتی‌ایجاد میشود . یک احساسات خیلی مضری ایجاد میشود که ازهرجهت برای مملکت‌مضراست بالنتیجه عرض میکنم در آذربایجان همین قانون ممیزی تولید اشکالاتی کرده است بنده هم یکی از کسانی هستم که دراین قانون شرکت کرده‌ام ومعتقدم اگر نواقص‌دراین قانون هست باید آن نواقص را دراین دوره رفع کرد ولی این نظامنامهٔ که نوشته شده است برای اجرای مواد این قانون، تمام مواد این قانون را بد جلوه داده است و بنده اینکه ناگزیر شدم قبل از دستور این مسئله را عرض کنم برای این است که‌چندی قبل سؤالی دراین خصوص از وزارت مالیه کرده‌ام ولی متأسفانه چون بوسیله سئوال نمیتوان یک نتیجه مثبت ومسلم گرفت این است کـه در اینجا بعرض آقایان‌میرسانم ومخصوصاً از مقام ریاست تقاضا میکنم که به آقایان وزراء تذکر بدهند که برای جواب سئوالات حاضر بشوند ویا استماع ایرادات رفع اشکال را بنمایند یا اصلا تذکر بدهند نظامنامهٔ که مخالف باقانون باشد نباید وجود داشته باشد وباید اجرا نکنند. این نظامنامه مخالفت بین دارد با قانون ودر واقع قابل اجرا نیست . اگر کسی در ایالت آذربایجان مستنکف باشد وایستادگی کند وخودداری نماید ازقبول یک‌همچو نظامنامهٔ کسی نباید او را تعقیب کند. قانون چاپ شده ودر جوف جیب وبغلش هست‌ونگاه‌میکند می‌بیند نظامنامه‌که ایجاد میکند مخالفت بین با قانون دارد . مردم باید حافظ اجرای قانون باشند نه چیز دیگر . عرض دیگری کـه خواستم بسمع آقایان محترم برسانم این بود که با وجود آنکه چندی قبل اینجا ازطرف آقایان نمایندگان طرحی راجع به‌القاء مالیاتهای صنفی تقدیم شد با این‌حال همه‌روزه از آذربایجان تلگرافهائی می‌رسد که اصنافی هستند که مالیات جزءجمعی نداشته‌اند وهمه روزه مالیه به‌آنها سرخود فشار می‌آورد ومالیات جدید می‌خواهد درصورتیکه اگرهم بنا باشد مالیاتی از آنها مطالبه شودبایستی‌همان جزءجمع قدیم داده می‌شد. حالا مالیه آن‌را گذاشته است‌کنار وهمه‌روزه مالیاتهای جدیدی وضع می‌کند وهمه‌روزه شکایاتی می‌رسد. امیدوارم همانطورکه این‌طرح مراجعه شده است به کمیسیون مبتکرات زودتر خارج شود ...
شیروانی — ازکمیسیون مبتکرات آمد وقابل‌توجه هم شداز کمیسیون بودجه‌هم گذشته است .
محمدولی‌میرزا — ان‌شاءالله ازکمیسیون بودجه‌هم که‌گذشت زودتر خاتمه پیدا می‌کند .
جمعی‌از نمایندگان — دستور .
حائری‌زاده — اجازه بفرمائید سوءتفاهم شده است .
رئیس — بفرمائید .
حائری‌زاده — آقای محمدولمیرزا فرمودند راپرت کمیسیون مبتکرات هنوزنیامده است‌درصورتیکه خبر کمیسیون‌مبتکرات‌به‌مجلس آمد وقابل توجه هم شد ورفت به کمیسیون بودجه .
رئیس — خبر کمیسیون عرایض ومرخصی راجع به‌مرخصی دوماهه آقای داور. کمیسیون‌هم تصویب کرده است قرائت می‌شود. (اینطور خوانده شد) .
آقای داور نمایندهٔ محترم لار به‌واسطهٔ کسالت وگرفتاری از مقام منیع ریاست مجلس مقدس ازاول آذر تا آخر دی دوماهه اجازهٔ مرخصی درخواست نمودند . کمیسیون عرایض و مرخصی تصویب می‌نماید .
رئیس — رأی گرفته می‌شود به‌مفاد این‌خبر، آقایانیکه تصویب می‌کنند قیام فرمایند .
(اغلب برخاستند)
رئیس — تصویب شد، خبر دیگر راجع به‌مرخصی‌سه‌ماهه حاج‌حسن‌آقا ملك کمیسیون‌هم تصویب کرده است .
(به‌شرح زیر خوانده شد)
آقای حاج‌حسن‌آقا ملك نمایندهٔ‌محترم بجنورد به واسطهٔ کسالت مزاج و تصویب اطباء از مقام منیع ریاست مجلس مقدس از روز حرکت سه‌ماهه اجازهٔ مرخصی خواستند که برای معالجه اروپا بروند. کمیسیون عرایض ومرخصی تصویب می‌نماید .
رئیس — رأی گرفته می‌شود به‌مفاد این‌خبر آقایانیکه تصویب می‌کنند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند) .
رئیس — تصویب شد، پیشنهادی ازطرف آقای عمادی وعدهٔ‌دیگر از آقایان نمایندگان راجع به تشکیل یک کمیسیون اقتصادی شده است قرائت می‌شود وبعدرأی می‌گیریم .
(به‌ترتیب ذیل قرائت شد)
ماده‌واحده — مجلس شورای ملی کمیسیونی مرکب ازنه‌نفر ازمطلعین به‌اوضاع اقتصادی از بین نمایندگان محترم بنام کمیسیون اصلاحات اقتصادی انتخاب می‌نماید وبه‌آنها اختیار می‌دهد که در حدود اصلاحات اقتصادی مطالعات کامله نموده و از سایرین که درامور اقتصادی دارای تخصص واطلاعات کافیه هستند جلب نظریات ومساعدتهای فکری نموده ونتیجهٔ مطالعات خودشانرا مرتباً تقدیم مجلس شورای ملی نمایند تا با تصویب نمایندگان اصلاحاتی درامور اقتصادی بعمل آید .
رئیس — آقای عمادی (اجازه) .
آقامیرزا سیدعلی عمادی — غرض ازاین پیشنهاد برای کثرت گرفتاری عموم ایالات و ولایات ایرانست و این امراز اموریست که باید آقایان وکلا دراین امر توجه بفرمایند و این مسأله محتاج به‌برهان و دلیل نیست ولی نسبت به‌نه‌نفری که تقاضا کرده‌ام آن‌را پس می‌گیرم و تقاضا می‌کنم شش‌نفر از هر شعبه یک‌نفر معین شود .
رئیس — پس اینطور اصلاح می‌فرمائید: شش‌نفر از هرشعبه یک‌نفر ؟ .

www.iran-archive.com

عمادی — بلی .

رئیس — آقای حائری‌زاده. (اجازه)

حائری زاده — بنده همین را خواستم عرض کنم .

رئیس — آقای شیروانی. (اجازه)

شیروانی — موافقم .

رئیس — آقا محمد ولی‌میرزا. (اجازه)

محمدولی‌میرزا — موافقم.

رئیس — آقای فاطمی. (اجازه)

فاطمی — بنده باهرکار غیرعملی مخالفم. می‌خواهد کمیسیون اقتصادیات باشد می‌خواهد هرچه، این کمیسیون اقتصادیات اسمش بدنیست، می‌گوئید مجلس توجهی به‌اقتصادیات داشت و یک‌کمیسیونی هم از هرشعبه یکنفر برای این‌کار انتخاب کرد، این‌کار در دورهٔ‌پنجم هم شد وصدایش هم در اطراف بلند شدکه بلی‌کمیسیون اقتصادیات تشکیل داده‌اند وکمیسیونهم هفتهٔ یک‌روز تشکیل می‌شد ولی نتیجه‌اش چه‌شد؟ هیچ!! وحالا هم بنده‌چون این کمیسیون را منتج نتیجهٔ نمیدانم به این جهت با اساس این‌کمیسیون مخالفم، مسائل اقتصادی مملکت ما را باید وزارتخانهٔ مربوطه مرتب کند، وزارت فوائدعامه برای مسائل اقتصادی مملکت است بعلاوه اساساً کمیسیون مجلس چه میتواند بکند؟ کمیسیون مجلس که قوهٔ مجریه نیست‌خیلی که کارکرد یک فکر خیلی خوبی میتواند بدهد. ممکن است این‌فکر را بطورکلی هر یک از آقایان داشته باشند به وزارت فوائد عامه تذکر بدهند که اگر باید یک لوایحی تهیه کند تهیه‌نماید وبیاورد بعرض مجلس برساند واز مجلس بگذرانند، همهٔ‌آقایان هم‌حاضرند تصویب کنند چنانکه در این مدت لوایح اقتصادی هرچه آمده‌با یک عجلهٔ تصویب شده است، حالا ما بیائیم اینجا رأی بدهیم که یک‌کمیسیون اقتصادی تشکیل شود و اهالی مملکت هم از خارج و داخل منتظر باشند که چه نتیجه از این کمیسیون میگیرند وبعد از مدت مدیدی‌معلوم‌شود که هیچ‌نتیجهٔ گرفته نشده است بداست. این است که بنده برای عظمت مجلس شورای ملی هم‌که باشد این‌کار را صلاح نمیدانم حالا بسته‌است به‌نظر آقایان، میخواهند معین کنند معین کنند.

رئیس — آقای حائری‌زاده. (اجازه)

حائری‌زاده — اصلا هر موضوعی که بیشتر طرف احتیاج مملکت است مجلس باید درآن موضوع بیشتر توجه کند، اگر در نظر آقایان باشد در نظامنامهٔ سابق کمیسیون پست و تلگراف و فوائد عامه یکی بود ولی چون کارهای فوائد عامه خیلی زیادشده بود و مقتضی بود که مجلس برای این موضوع اهمیت مخصوصی قائل شود وکمیسیون خاصی برای فوائد عامه تشکیل دهداینکار راکرد. امور اقتصادی مملکت خیلی پیچیده شده است وکار مردم بجائیکه منتهائی برای آن نمی‌شود فکر کرد رسیده. حقیقةً باید در این موضوع فکر مخصوصی بشود چه میشود اگر یک‌کمیسیون شش نفری از هر شعبه یک نفر انتخاب شود؟ خود اینها یک تذکری است بدولت با دوائر مختلفهٔ دولتی و غیر دولتی داخل مذاکره میشوند و یک طرق حلی پیدا می‌کنند که به‌بدبختی مملکت خاتمه داده شود. و بنده کاملا موافقم با آنچه پیشنهاد شده است.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — آقای عدل پیشنهاد کرده‌اند بجای شش نفردوازده نفر باشد. آقای عدل. (اجازه)

میرزا یوسف‌خان عدل — عرض‌میکنم بنده برخلاف‌فرمایشات آقای فاطمی متأسفانه‌خیلی‌معتقدم و حتی عقیده‌ام‌این است که امروز مجلس مهم‌تر از این کاری ندارد و درموقع انتخاب کردن ما هر موکل ما شاید تأکید کرده است که ما وقتی به‌مجلس میائیم‌در سر این مسأله بیشتر تلاش کنیم و شاید هر روز هم تلگرافاتی از ولایات راجع به این مسأله بما میرسد و مردم به‌اندازهٔ از این‌حیث در مضیقه‌اند که مافوق ندارد. میخواهم عرض کنم که امروز تمام مملکت و ملت خیلی انتظارات از مجلس دارند ولی‌انتظاریکه در اینمورد بخصوص دارد بیش از همه است یعنی مجلس باید بیشتر توجهش را به این موضوع بکند و همچنین بنده معتقدم که این کمیسیون باید عده‌اش زیادتر باشد و اختیارات زیادتری هم داشته‌باشد ووزیر مسؤول و وزرائی‌هم که مربوط به‌این کار هستند شرکت کنند و تاآخر این‌دوره تشکیل این کمیسیون ادامه داشته باشد و همیشه نظریات خودش را به‌مجلس عرض کند و ازولایات هم به‌وسیلهٔ وکلای آن ولایات اطلاعاتی اخذ کنند. شایدانشاءالله یک راه حلی برای‌اینکار پیدا شود. این‌است که بنده‌پیشنهاد کردم عدهٔ اعضاء این کمیسیون دوازده نفر باشد.

رئیس — آقای احتشام‌زاده. (اجازه)

احتشام‌زاده — بنده در اصل موضوع نهایت موافقت و علاقه‌مندی را دارم ولی در پیشنهاداتی که عده را دوازده‌نفر پیشنهاد کرده‌اند مخالفم. زیرا بواسطهٔ تجربهٔ که کرده‌ایم تصور میکنم کمیسیون هرچه عده‌اش زیادتر باشد کمتر تشکیل میشود به این جهت معتقد هستم که شش نفر کافی است زیرا شش نفر زودتر جلسات کمیسیون را تشکیل میدهند و زودتر میتوانند اقداماتی بنمایند.

رئیس — رأی میگیریم به پیشنهاد آقای عدل. آقایانیکه موافقند قیام فرمایند. (چند نفرقیام نمودند)

رئیس — رد شد. رأی میگیریم به‌اصل پیشنهاد که تشکیل کمیسیونی بنام کمیسیون اقتصادیات مرکب از شش نفر از هر شعبه یک نفر باشد. آقایانیکه موافقند قیام فرمایند.

(عدهٔ برخاستند)

رئیس — تصویب نشد. خبرکمیسیون داخله راجع به‌قانون بلدی مطرح است مادهٔ هشتم.

(اینطور خوانده شد)

مادهٔ ۸ — انجمن بلدی مرکب است از نمایندگان شهرکه عده و ترتیب انتخاب آنها بموجب این قانون معین میشود.

رئیس — آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسید یعقوب — موافقم.

رئیس — آقای شیروانی.

شیروانی — غوافقم.

رئیس — مادهٔ نهم. (بشرح آتی قرائت شد)

مادهٔ ۹ — عدهٔ وکلای انجمن بلدی هر شهر متناسب با جمعیت آن است که به‌ترتیب ذیل معین میگردد:

۱ — درحدود ۲۰۰۰ الی ۱۰۰۰۰ نفر هشت وکیل

۲ — درحدود ۱۰۰۰۰ « ۲۵۰۰۰ نفرده وکیل

۳ — درحدود ۲۵۰۰۰ « ۵۰۰۰۰ نفردوازده وکیل

۴ — درحدود ۵۰۰۰۰ « ۱۰۰۰۰۰ نفر چهارده وکیل

۵ — درحدود ۱۰۰۰۰۰ « ۱۵۰۰۰۰ نفر شانزده وکیل

۶ — درحدود ۱۵۰۰۰۰ « ۲۰۰۰۰۰ نفر هیجده وکیل

۷ — درحدود ۲۰۰۰۰۰ « به بالا بیست و دووکیل

رئیس — آقای ارباب کیخسرو. (اجازه)

ارباب کیخسرو — در قانون بلدیهٔ سابق درضمن مادهٔ دهو یازده ذکر شده است که انتخاباتیکه در هر شهر میشود تقسیم خواهد شد به‌محلات و تصور میکنم همان طریق بهتر بوده است زیرا همانطور که انتخابات اعضاء مجلس شورای ملی در مملکت تقسیم میشود بایالات و ولایات در هر شهری هم بدیهی است اهل هر محلهٔ بهتر حوائج آن محله را میدانند و اگر غیر از این بشود ممکن است اشخاصی از یک محلهائی انتخاب شوند که هیچ‌خبر ازسایر محلات نداشته باشند با اینکه همه‌چیز را اختصاص بدهند بهمان محل خودشان . در قانون سابق دو ماده دارد . یکی ماده ده و یکی هم مادهٔ یازده.در مادهٔ ده مینویسد:انجمن بلدی‌مرکب است از اعضائی که از محلات شهر به ترتیب ذیل انتخاب‌میشوند

در مادهٔ یازده مینویسد: عدهٔ اعضاء انجمن بلدیه در شهرهای کوچک شانزده و در شهرهای متوسط بیست و درشهرهای بزرگ سی نفر خواهد بود که با رعایت وسعت و جمعیت به محلات شهر تقسیم میشوند. بنده تصور میکنم عدهٔ هم که اینجا تصویب میشود اگر بهمان ترتیب تقسیم بمحلات شود بهتر و بمناسب‌تراست و برای همین مسأله یک پیشنهادی هم تقدیم شده است.

رئیس — آقای آقاسید یعقوب.

آقاسید یعقوب — بنده مخالفم.

رئیس — آقای حائری‌زاده . (اجازه)

حائری‌زاده — این نظری راکه نماینده محترم دارند نظر صحیحی است ولی در کمیسیون نظر این بود که برای سهولت امر اگر انتخابات دفعةً انجام بگیرد بهتر است با این حال ممکنست‌این نظریه را پیشنهاد بفرمایند. بنده هم با این عقیده موافقم تا در کمیسیون هم تحت شور و مطالعه بیاید.

رئیس — آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسید یعقوب — خواستم ازآقای معاون محترم وزارت‌داخله سؤالی بکنم: چون بنده در غالب نقاط ایران گردش کرده‌ام.بعضی جاها هست که قصبه هست و اسم شهر ندارد ولی سه هزار نفر جمعیت دارد . ما اینجا ذکرکرده‌ایم (انجمن بلدی هر شهر) آنوقت اینطور قصبهٔ که اسم شهر ندارد تکلیفش چیست و بنده هم میدانم مأموریکه ازطرف‌وزارت داخله به‌آنجاها میرود به او حاکم نمی‌گویند او را نائب‌الحکومه میگویند. مثلا ولایت خودم را میگویم درآنجا که من هستم جمعیتش سه هزار نفر است و حاکم هم ندارد عنوانش نائب‌الحکومه است چون قصبه است. قانون را که ما مینویسیم برای تمام ایران است ولی اینجا عنوان را شهر قرارداده‌ایم. و بنده هم یک تشکیلات مرتب و منظمی برای‌ایالات و ولایات ندیده‌ام که درآنجا معین کند تا چه اندازه قریه است. تا چه اندازه شهر و قصبه است‌که این مسأله محل ایراد واقع نشود. آنوقت بگویند این قانون برای شهرها نوشته شده که فلان قصبه چون شهر نیست حق بلدیه ندارد. باید یک ترتیبی در نظر گرفته شود که این حق به آن قصباتی که این مقدار عده و جمعیت دارند و اسم شهر ندارند داده شود. نکته دیگری که میخواستم عرض کنم این بود: در اینجا معین میکند که ازدوهزار نفر به‌بالا حق فلانقدر وکیل دارد. همچو معلوم میشود که این قانون از دو هزار نفر به‌بالا را حق میدهد ولی اگر مثلا هزار و نهصد نفر بود دیگر این حق را ندارد. یا همین‌طور اگر هزار نفر باشد مشمول‌این قسمت نمی‌شود. درصورتیکه این یک قانون عام و اجتماعی است. ولی اینجا تمام قصبات ایران راکه دارای دو هزار نفر جمعیت نیستند و همچنین آنهائی هم که دو هزار نفر جمعیت‌دارند ولی‌اسم شهر ندارند و قصبه‌اند شامل نمی‌شود. بنابراین خوبست این قسمت را تصحیح بفرمائیدیک پیشنهادی‌هم در این‌موضوع تقدیم‌میکنم.

معاون وزارت داخله — این نکتهٔ راکه آقا فرمودند خیلی صحیح است و بایستی شهر و قصبه و ده تمام اینها بموجب قانون معرفی شوند تا تکالیف قانونی دربارهٔ هر یک از آنها معین شودولی در اینجا ما یک نظری داریم: در یک لایحهٔ که برای تشکیلات ولایات تنظیم کرده‌ایم و بعد تقدیم مجلس خواهد شد ملاحظه خواهید فرمود که در حدود هفت هزار و پانصد نفر جمعیت را به‌بالا اطلاق شهر خواهیم کرد. هنوز آن لایحه به‌مجلس نیامده است ولی باید سعی کرد که اگر مطابق تصدیق مجلس شورای ملی باشد در اینجا هم این نکته رعایت بشود . یعنی اگرازحدود هفتهزار وپانصدنفر جمعیت زیادتر شد آن نقطه را بتوانیم اطلاق شهر کنیم وآن چیزهائی هم که برای یک شهر لازم است برایش فراهم کنیم از قبیل بلدیه ، نظمیه وسایر تأسیساتی که باید در شهر باشد.و معلوم است کمتر از این را هم‌نمیشود شهرگفت . مخصوصاً در موردتشکیلات بلدیه . زیرا بلدیه‌باید باپول خودشهر اداره بشود . و یک جمعیت کمی البته قادر نخواهند بود یک مالیات وعوارضی برای‌تشکیل بلدیه بدهند. وباین جهة تشکیل بلدیه در آن نقاط ممکن نخواهد بود . وبایستی دراین قبیل‌نقاط یک اصولی اتخاذ گردد برای امور بلدی ولی (بطورساده)نه‌باسم عیدی چون جمعیتشان کم است وقادر بتأدیهٔ‌مالیاتی که تکافوء با مخارج بلدی بکند نخواهند بود . واینجا که دوهزار نفر قید شده است نظری بوده است که در کمیسیون اتخاذ شده است . ودر موقعی که کمیسیون این نظر را اتخاذ کرد بنده حاضر نبودم و مسبوق نبودم ولی از قراریکه آقای ضیاء فرمودند تصور میکنم

www.iran-archive.com

مقصودشان این بوده است که بعضی نقاط سرحدی بوده وهست که شاید جمعیتش کم است ولی از نقطهٔ نظر سرحدی واحتیاجات محلی لازم است دارای یک تأسیساتی ازقبیل بلدیه وغیره باشند بهرحال اگر این نکته هم ملحوظ باشد باید طوری درانجا درج شود که باساس آن نظری که راجع بجمعیت شهرها داریم برنخورد. منتهی برای این قبیل نقاط یک استثنائی باید قائل شویم.

بعضی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — پیشنهادات قرائت میشود. (پیشنهادات واصله بترتیب ذیل خوانده شد) پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو و سهرابخان ساگینیان — بنده پیشنهاد میکنم تبصرهٔ ذیل بمادهٔ سه اضافه شود.

تبصره — حوزهٔ انتخابیهٔ بلدیه محلهٔ شهر است عدهٔ نمایندگان هر شهر با رعایت وسعت جمعیت هر محلهٔ بمحلات شهر تقسیم میشود. ونمایندگان هر محله فقط از آن حوزه انتخاب میشوند

پیشنهاد فیروزآبادی — مقام مقدس ریاست مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد میکنم از دوهزار تا پنجهزار پنجنفر معین شود و از پنجهزار تا ده‌هزارهشت نفر

پیشنهاد آقای احتشام‌زاده - مقام‌مقام محترم ریاست‌مجلس مقدس -بنده پیشنهاد میکنم ماده نه‌بترتیب ذیل اصلاح شود:

مادهٔ ۹ — عدهٔ وکلای انجمن بلدی هر شهر یا قصبه مطابق صورت ذیل متناسب باجمعیت آن است که بین‌شهرمحلات یا قصبه تقسیم میشود.

پیشنهاد آقای شیروانی — در مادهٔ نهم پیشنهاد میشود بجای کلمه شهر نوشته شود (محل)

پیشنهاد آقای آقا سیدیعقوب — مقام محترم ریاست بنده پیشنهاد میکنم که در مادهٔنه کلمه شهر حذف شود.

آقاسید یعقوب — کلمهٔ شهری است اشتباه شده است.

رئیس — بسیار خوب. شهری باشد اصلاح میشود.

پیشنهاد آقای میرممتاز.

(بترتیب ذیل خوانده شد)

مقام محترم ریاست مجلس اصلاح مادهٔ(۹) را بطریق ذیل پیشنهاد مینماید. عدهٔ وکلاء انجمن بلدی هر شهر بترتیب ذیل معین گردد.

۱ — شهرهای کوچک وقصبات ۹ نفر
۲ — شهرهای متوسط ۱۲ نفر
۳ — شهرهای بزرگ ۱۵ نفر
۴ — طهران مرکز مملکت ۱۸ نفر

رئیس — پیشنهاد آقای فهیمی‌هم ارجاع میشود بکمیسیون.

مادهٔ ده

(بشرح ذیل قرائت شد)

مادهٔ ۱۰ — دورهٔ وکالت وکلای بلدی چهار سال تمام شمسی است که از روز انعقاد رسمی انجمن شروع ودر اولین‌دورهٔ انعقاد انجمن پس از انقضاء دوسال شمسی نصف‌وکلاء بحکم قرعه خارج وبجای آنها وکلاء جدید انتخاب میشوند.

رئیس — آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسید یعقوب — بطوریکه آقایان ملاحظه میفرمایند دراین ماده نوشته است: دوره وکالت وکلای بلدی چهار سال تمام شمسی است که از روز انعقاد رسمی انجمن پس از انقضاء دوسال شمسی نصف وکلاء بحکم قرعه خارج وبجای آنها وکلاء جدید انتخاب میشوند: بنده در اینجا نه اینکه سوءظن داشته باشم ولی عرایضم برای این است که هنوز اساس مشروطیت وآزادی و انتخابات جزو عادات ما نشده است وتا قانون جزء عادات قوم نشود حسن جریان پیدا نمی‌کند بنده خیلی تقدیس میکنم عقیدهٔ دورهٔ اول مجلس شورای ملی را که مدت وکالت وکلای‌مجلس شورای ملی را دوسال معین کرده‌اند واین حقیقة یک درسی‌برای تجدد واخلاق است. برای مملکت یک نشاریست ولی ملت را متوجه بآثار مشروطیت می‌کند بنابراین در قسمت شهرها که نوشته‌اند (چهارسال) بنده مخالفم ومعتقدم مدت وکالت آنها سه سال باشد وهر یک سال که میگذرد ثلثشان بقرعه خارج شود و ثلث دیگر انتخاب شوند وداخل شوند واینطور همیشه انجمن‌بلدی دائر است که در واقع یک فشاری براهالی باشد که متصل‌متوجه بانتخابات باشند وحقیقة یک مدرس است که آنها را متوجه بحکومت ملی وحقوق ملی وآزادی خودشان میکند. واین یک واعظی است که متصل بگوش ما میخواند واین درگوش‌ما میماند و زود فراموش نمیکنم وزود آثار مشروطیت از نظرمان نمیرود که پیشنهاد کنیم قانون بلدی ازدستورمجلس خارج شود. ازاین‌جهت بنده خواستم عرض کنم برای اینکه همیشه یک چکشی‌باشد بگوش مابخورد بنده معتقدم که باید مدت را سه‌سال قرارداد که هرسالی یکمرتبه‌ثلثش بقرعه خارج شود. این بودعقیده بنده پیشنهادی هم دراین باب تقدیم کرده‌ام.

مخبر — تقریباً منطق وفرمایش آقای آقاسید یعقوب تأییدمیکند نظر اعضاء کمیسیون‌را راجع به‌این‌ماده‌هم از نقطه‌نظراینکه مردم عادت‌بکنند به‌انتخابات وبه‌حفظ‌آثار ملی‌وحقوق‌ملی خودشان وهم رویهمرفته انجمن هم تعطیل نشود وفترتی برای آن پیش نیاید وبهترین راه‌حلی که برای تأمین این‌قسمت درنظر آمده است‌همین بوده است که‌مدت انجمن چهارسال باشد و برای هردوسال نصف ازاعضاء به حکم قرعه خارج شوند و انتخابات تجدید شود اینکه فرمودند هرسال یکمرتبه تجدید شود وسه‌سال مدت انجمن باشد البته تصدیق می‌فرمایند یک انجمنی که وارد عمل می‌شود ویک‌مرامی را در نظر می‌گیرد و می‌خواهد تعقیب بکند یکسال برای انجام آن مراتب کم است وبایستی لااقل مدت دوسال‌باشد که‌اشخاصی که انتخاب و وارد می‌شوند بتوانند آن نظریات خودشان را طرح و تعقیب کنند. بعلاوه شماوقتی مطالعه‌بفرمائید می‌بینید که‌این انجمن به‌طوریکه در یکی از مواد ذکر شده است درماه تقریباً سه‌مرتبه تشکیل می‌شود و وقتی که‌درماه سه‌مرتبه تشکیل می‌شود تصدیق می‌فرمائید که‌مدت یکسال برای تجدید انتخاب کم است وگمان می‌کنم این‌راحلی راکه کمیسیون درنظر گرفته است و دولت هم موافقت کرده است بهتر وعملی‌تر است.

رئیس — آقای شیروانی موافقید؟

شیروانی — بلی.

رئیس — آقای سالارلشگر (اجازه).

عباس‌میرزا (سالار لشگرسابق) — مخالفت بنده بااین ماده برای این‌است که اولا به‌طوری که آقای آقاسیدیعقوب‌هم اظهارکردند مدت چهارسال را زیاد می‌دانم به‌علاوه نظر به‌اینکه همیشه انتخابات در مملکت ایران یک زحمت و مخارجی دارد عقیده‌ام این است همان موقعی که وکلاء را برای مجلس شورای ملی انتخاب می‌کنند (چون همیشه عدهٔ داوطلب برای وکالت خیلی زیاد است مخصوصاً دراین دوره‌ها که از هرطبقه چه از تجاروچه ازاصناف وعدهٔ داوطلب برای این قسمت هستند) اگرممکن وعملی باشد بهتر این‌است آن اشخاصی که بعد ازآن عدهٔ که درانتخابات مجلس برای وکالت مجلس‌شورای ملی انتخاب می‌شوند برای وکالت انجمن بلدیه معین‌شوند که هردوسال یک‌دفعه انتخابات بعمل بیاید هم برای مجلس‌شورای ملی وهم‌برای بلدیه‌ها ولی در قسمت بلدیه‌ها فقط آراء شهرها محسوب شود وبه‌این ترتیب هم وکلاءمجلس شورای ملی انتخاب می‌شوندوهم‌وکلاءبلدیه‌ها.

مخبر — بنده تصور می‌کنم درضمن شور ثانی نمایندهٔ محترم بیشتر معتقد خواهند شد که هرقدر این‌امور ازهم مجزی باشد وجریاناتش ازهم جدا باشد هم برای تقویت اخلاق جامعه‌وهم برای اصل عمل بهتر است و برای اینکه حالا شور اول است وآن‌طوری که باید مطالعه بشود نشده این‌است که این نظربرای ایشان پیدا شده است‌و اگر بخواهیم به‌این ترتیب عمل کنیم چطور ممکن است که انجمن نظارت انتخابات دو دفتر بازکند یکی برای انتخابات مجلس‌شورای ملی ویک دفترانجمن‌هم در جای دیگر برای انتخابات انجمن بلدی باشد؟ و اگر قدری توجه بفرمائید تصدیق خواهید فرمود که درانتخابات انجمن بلدی فقط اهالی شهرها حق دخالت و رأی دارند ولی درانتخابات‌پارلمانی‌اهالی شهرها و حوزه‌های مختلفه همه‌حق دخالت و نظر دارند بنابراین اگر نظر نمایندهٔ محترم ملحوظ شوددرطرز عمل و اجرا دچار اشکال خواهند شد.

بعضی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — پیشنهادآقای سهراب‌خان ساگینیان.

(به‌شرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد می‌کنم تبصرهٔ‌ذیل به‌مادهٔ ۱۰ اضافه شود.

تبصره — انتخابات وکلاءجدید قبل ازانقضاء دورهٔ نمایندگی شروع می‌شود ودر موقع تجدیدنصفی‌از وکلاءجدید حاضر خواهند شد.

رئیس — پیشنهادرآقای فهیمی

(باین مضمون خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که در آخر مادهٔ ۱۰ جملهٔ‌ذیل‌الحاق شود:

و پس از آن در آخر هر دوسال آن عده که چهارسال‌دورهٔ نمایندگیشان منقضی است خارج‌وعوض‌آنهاتجدید انتخاب میشود.

وکلای سابق را همیشه میتوان مجدداً انتخاب نمود.

رئیس — پیشنهاد آقای عدل هم در همین زمینه است.

پیشنهاد آقای میرممتاز.

(باین عبارت قرائت شد)

این بنده مادهٔ (۱۰) را با اصلاحاتی بضمیمهٔ یک تبصره پیشنهاد مینماید - دورهٔ وکالت وکلاء بلدی سه‌سال تمام‌شمسی است که از روز انتخاب هیئت رئیسه دائمی شروع ودر اولین دورهٔ انعقاد انجمن پس از انقضای سال اول یک ثلث از وکلاء بحکم قرعه خارج وبلاتأخیر بجای آنها وکلاء جدید انتخاب و همچنین در انقضای سال‌دویم ثلث دیگر از دوثلث اول بحکم قرعه خارج وعوض آنها انتخاب ودر آخر دوره ثلث اخیر خارج وبجای آنها نیز اعضاءجدید انتخاب میشوند.

تبصره — برای دوره‌های بعد عمل اخیر متوالیاً معمول ودر انقضای هر سال یک ثلث از وکلاء که دورهٔ سه‌سال را طی کرده‌اند خارج شده عوض آنها انتخاب میشوند چنانچه اهالی‌مایل باشند میتوانند وکلاء سابق را در هر نوبت ثانیاً انتخاب نمایند.

رئیس — پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب هم در همین زمینه است. پیشنهاد آقای شریعت‌زاده قرائت میشود

(بشرح ذیل خوانده شد)

تبصره — اعضائی که‌بحکم قرعه از عضویت خارج‌میشوند قابل انتخاب مجدد خواهند بود.

رئیس — مادهٔ‌یازده.

(بترتیب ذیل قرائت شد)

مادهٔ ۱۱ — انتخاب کنندگان وکلای بلدی باید دارای شرایطی که در مادهٔ نهم قانون انتخابات مجلس شورای‌ملی معین است بوده وبعلاوه باید دارای سواد فارسی باشند.

رئیس — آقای آقا سیدیعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب — مخالفت بنده دراین ماده از این جهت است که در جزوشرائط انتخاب‌کنندگان مجلس شورای ملی سن را بیست سال قرارداده‌اند. در اینجا هم همانطور معین کرده‌اندو بنده عقیده‌ام این است که در اینجا سن انتخاب‌کنندگان را باید از پانزده‌وخیلی متجدد باشیم هیجده سال قرار بدهیم. برای‌اینکه جوانهای متجدد، اصطلاحات جدید وترتیب زندگانی را بهتر میدانند وبنده معتقدم‌آن اندازهٔ را که کمیسیون معین کرده است کمترکنند واز شانزده سال حق انتخاب کردن داشته باشند که این اشخاص را هم مدخلیت بدهیم چون اینها درمدارس تحصیل کرده‌اند وباصول جدید آشنا هستند وزودتر انتخابات تمام میشود. مسئلهٔ دیگر این است که‌اینجا مینویسد: دارای سواد فارسی هم باشند. حالا اگر بنده یک حرفی بزنم شاید از اطراف بنده‌را هو بکنند که برخلاف اصول صحبت کردی. این مسئله راکه شما میخواهید در اینجا داخل نمائید نه‌مسئلهٔ انتخابات مجلس شورای ملی است ونه مسئلهٔ شهرنشینان. اهالی شهر وقصبه هم‌پاکیزگی قصبه‌شان وآب تمیزوراه‌آبشان را میفهمند دیگر سواد فارسی‌رابرای چه دراینجا شرط کرده‌اید؟ میخواهید آنها را از حقوق‌توی‌خانه‌شان

www.iran-archive.com

هم محروم کنید؟ این مسئله راجع بسیاست وانتخابات مجلس نیست که بمن حمله کنید ویگوئید باز منکر شدی . دیدی در گیلان وکرمانشاه وفلانجا چه‌شد .آنرا نمیگویم . حمله هم‌نکنید ولی میگویم در انتخابات بلدی شرط کردن اینکه انتخاب‌کنندگان باید دارای سواد فارسی باشند این تعدی است نسبت بآن کسانی که سواد فارسی‌ندارند . چرا؟ برای اینکه این مسئله‌برای منفعت شهرنشینان وبرای آبادی شهر وحفظ این قبیل چیزهاست واین شرط کردن اینکه باید با سواد باشند اجحاف است وبنده مخالفم برای اینکه اگرشما این کار را کردید درغالب قصبات‌وشهرهای کوچک فقط اختصاص پیدا میکند بحکومت وچندنفر اعضاء حکومت بجهت اینکه در آنجاها فقط قوم وخویش‌های حاکم و کلانتر یا کدخدا سواد فارسی دارند و غیر از اینها کسی نیست که سواد داشته باشد در اینصورت مابقی دیگر باید از بین بروند. این است که بنده با این مسئله در قسمت‌انتخاب کنندگان بلدی مخالفم . چرا ؟ برای اینکه این شخص مالیات بلدی را میدهد برای آبادی وتنظیف شهرش آنوقت خودش حق نداشته باشدکه بگوید فلان شخص محل اطمینان من است و برای انجمن بلدی وکیلش کند !! این است که‌بنده با این ترتیب مخالفم.

رئیس — آقای حائری‌زاده (اجازه)

حائری‌زاده — عقاید مختلف است . آقای آقاسید یعقوب عقیده دارند که‌پانزده ساله هم شرکت کند ولی بنده معتقدم که در کارهای بلدی ودر کارهائی که جنبهٔ عمومی بخود میگیرد قدری تجربیات هم لازم است ، نمیتوانیم بگوئیم کسانی که شرعاً مکلف شده‌اند ممکن است همهٔ کارها را بآنها رجوع کرد. این آقایان مادامی که چهارپنجسال از عمر تحصیلشان نگذرد و تجربیاتی پیدا نکنند صلاحیت ندارند که در مقدرات عمومی دخالت کنند. زیرا فدای احساسات میشوند ویک حرفهای‌مشعشعی ممکن است آنها را از فکر اصلی خودشان منصرف ومنحرف کند و یک انتخاب غلطی بکنند وتصور نمیکنم در هیچ کجای دنیا هم حق شرکت در انتخابات را بپانزده ساله داده باشند وملت ایران هم هنوز بالاتر از سایر ممالک وملل دنیا نشده است که پانزده ساله را هم حق شرکت انتخاب بدهد.

رئیس — آقای یاسائی (اجازه،

یاسائی — بنده باآن قسمتی که دراین ماده نوشته است منتخبین وانتخاب شوندگان باید دارای سواد فارسی باشندموافقم ولی چیزی که هست باید برای‌سواد یک‌حدی معین کرد ودر قانون ذکرکرد که تا چقدر سواد فارسی باید داشته باشند زیرا بالاخره ممکن است درطرز اجرای این قانون درعمل یک‌مشکلاتی تولید شود بنده عقیده‌ام این است که‌باید دراین ماده توضیح داده شود که فقط خواندن ونوشتن برای رأی دهندگان کافی است‌ولو اسامی اشخاص باشد والا اگر بطور مطلق بگوئیم سواد فارسی آنوقت ممکن است انجمنهای نظار تعبیر وتفسیرهائی درش قائل شوند واشکالات وموانعی تولید کنند.

مخبر — نمایندهٔ محترم حضرت آقای یاسائی را تذکرمیدهم بمادهٔ ۱۰ و مادهٔ ۱۴ که میگوید اشخاصی که حق انتخاب‌شدن را دارند در آنجا ذکر شده است که باید سواد بحدکافی داشته باشند وقتی برای آنها قید شده است که باید سواد بحدکافی‌داشته باشند میرساند که سکوت دراین ماده دال براین‌است که‌میبایستی سواد مختصری داشته باشند. آن ماده میگوید سواد بحد کافی داشته باشند در اینجا کمیسیون نائل بسکوت بوده است تااینکه اشکالی برای رأی دهندگان پیش نیاید وهمینقدر که‌بتوانندیک اسمی را بنویسند یا یک سطر بخوانند کافی است ولی شرائط انتخاب شوندگان یک قدری سخت‌تر است یعنی باید سواد فارسی بحدکافی داشته باشند.

بعضی از نمایندگان — مذاکرات کافی است .

رئیس — پیشنهادات واصله قرائت میشود .

(بشرح ذیل خوانده شد ،

پیشنهاد آقای سهراب‌خان‌ساگینیان — بنده پیشنهاد میکنم درمادهٔ ۱۱ کلمات (وبعلاوه باید سواد داشته باشند)حذف شود.

پیشنهاد آقای فهیمی — بنده پیشنهاد میکنم که در آخر مادهٔ ۱۱ راجع بشرایط انتخاب کنندگان شرط دارابودن سواد فارسی حذف وبجای آن جملهٔ ذیل نوشته شود :

در حوزه‌های انتخابیه دارای‌ملک یاعلاقهٔ باشند که‌لااقل سیصد تومان ارزش داشته باشدبنده پیشنهاد می‌کنم در مادهٔ یازدهم بعد از سواد فارسی — علاقه علاوه شود.

پیشنهاد آقای فرشی .

این بنده پیشنهاد می‌کنم انتخاب کنندگان کمترازهیجده نداشته باشند ودارای سواد فارسی بوده باشند.

پیشنهاد آقای عدل وآقای‌میرزا یدالله‌خان .

بنده پیشنهاد می‌کنم درماده یازدهم (عبارت وبعلاوه‌باید دارای سواد فارسی باشند) حذف شود

پیشنهاد آقای نظامی — بنده پیشنهاد می‌کنم درمادهٔ یازدهم قسمت اخیر که باید دارای سواد فارسی باشندحذف شود.

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب .

پیشنهادمی‌کنم که مادهٔ یازدهم این نوع اصلاح شود انتخاب کنندگان وکلاء بلدی از پانزده سال ببالا میتوانند در انتخابات مداخله کنند— بقیه شرایط همان شرایط انتخاب‌مجلس است .

پیشنهاد آقای یاسائی .

بنده پیشنهاد می‌کنم در مادهٔ یازدهم تبصرهٔ ذیل اضافه شود .

مقصود از سواد فارسی فقط خواندن ونوشتن است .

رئیس — مادهٔ دوازدهم.

(بشرح ذیل قرائت شد ،

مادهٔ ۱۲ محرومین از حق انتخاب‌کردن موافق‌مادهٔ دهم قانون انتخابات مجلس شورای ملی خواهد بود بعلاوه اشخاصی که‌نسبت عوارض بلدی بقایا دارند وبیش از نصف‌مالیات‌وعوارض سالیانه بلدی را نپرداخته‌اند نیز از حق انتخاب کردن محرومند.

رئیس — آقای امیرحسین‌خان (اجازه)

امیرحسین‌خان ایلخانی — بنده باقسمت اول این ماده مخالفت ندارم ولی از اینجا که می‌نویسد (اشخاصی که‌ازبابت عوارض بلدی الی آخر ماده) مخالفم- بعقیده‌بنده هم لازم نبود اینرا در اینجا بنویسند وهیچ مورد هم ندارد . زیرا بالاخره‌اشخاصی که بقایای خودشان را نپرداخته‌اند بلدیه میتواند ازآنهابقایاشان را بگیرد وهیچ لازم نبود این مسئله را در یک قانونی‌وماده مخصوصی‌بنویسید.

رئیس — آقای حایری‌زاده — (اجازه)

حایری‌زاده — این یک مجازاتی است حقیقةً برای کسانیکه درکارهای خیر شرکت خودشان را عقب میاندازند و استنکاف می‌کنند . راست است بلدیه میتواند بقوه دولتی طلب خودش را وصول‌کند ولی آدمیکه بدحسابی می‌کندوحاضر نمیشود دین خود را بپردازد باید او را ازاین حق محروم کنیم که یک نوع‌مجازاتی برای او باشد.

رئیس — آقای حاج‌آقا رضا رفیع. (اجازه)

حاج‌آقارضا رفیع — درمادهٔ یازدهم نوشته شده است انتخاب کنندگان وکلای بلدی باید دارای شرایطی که در مادهٔ نهم قانون انتخابات مجلس شورای ملی معین است بوده و بعلاوه باید دارای سوادفارسی باشندولی درمادهٔ دوازدهم که راجع به‌محرومین است بالاخره مواد را نمیاورد و مینویسد. محرومین از حق انتخاب کردن موافق ماده دهم قانون انتخابات مجلس شورای ملی‌خواهد بود. بعلاوه اشخاصی که عوارض بلدی خود را نپرداخته‌اند(که‌در اینجا بنده هم با آقای امیرحسین‌خان موافق هستم که این مجازات بی‌ربط در اینجا معین شده است) از حق انتخاب شدن محرومند.در اینجا یا باید اشخاص بی‌سواد را هم قید کنند یا باید از مادهٔ یازدهم هم شرط سواد را حذف کنند زیرا در آنجا اگر سوادشرط است در اینجا هم باید بی‌سواد ذکر شود.

رئیس — آقای میرممتاز. (اجازه)

میرممتاز — بنده عرضی ندارم.

مخبر — اشخاصی که دارای شرایط انتخاب‌کردن هستند درماده قبل ذکر شده است وقتیکه در آنجا ذکر شده است. بدیهی است اشخاصی میتوانند رأی بدهند و حق انتخاب دارند که‌سواد داشته باشند. دیگر ذکرش در ماده بعد برای محرومین از حق انتخاب‌کردن لازم نیست ولی قسمتهائی‌که موجب محرومیت از انتخاب‌کردن میشود همانطورکه در مادهٔ دهم قانون انتخابات مصرح‌است دراینجا ذکرشده است واشخاصی که دارای این‌صفات هستند از حق انتخاب محروم هستند. و در باب شرط سواد هم اصلا منظور نظرکمیسیون ودولت این‌بوده است که تدریجاً وسایل‌تعمیم سواد و معارف ترویج شود و برای این منظور همین‌قدر کافی است که‌گفته شود اشخاصی‌که سواد فارسی دارند حق انتخاب‌کردن دارند. اما در این ماده نظر این بوده است که محرومین آنهائی هستندکه در مادهٔ دهم قانون انتخابات ذکر شده است و راجع به‌اشخاصی که مالیات وبقایای بلدی را نپرداخته‌اند نظرکمیسیون این بودکه یک تنبیه و مجازاتی نسبت به آنها قانون قائل بشود ولی اگر چنانچه آقایان نمایندگان راجع به این قسمت نظری داشته باشند ممکن است پیشنهاد کنند کمیسیون هم مطالعه می‌کنند و درضمن‌شور ثانی هم بیشتر میشود در این خصوص صحبت کرد.

بعضی از نمایندگان مذاکرات کافی است.

رئیس — پیشنهاد آقای بهبهانی.

(به شرح ذیل خوانده شد)

در مادهٔ دوازدهم — پیشنهاد مینمایم از عبارت بعلاوه تا آخر ماده حذف شود.

رئیس — پیشنهاد آقای افشار.

اینطور خوانده شد

بنده پیشنهاد می‌کنم مادهٔ دوازدهم بطریق ذیل اصلاح‌شود:

محرومین ازحق انتخاب کردن‌موافق مادهٔ‌دهم قانون‌انتخابات مجلس شورای ملی خواهد بود.

رئیس— پیشنهاد آقای امیرحسین‌خان هم با پیشنهاد آقای بهبهانی یکی است. پیشنهاد آقای‌عمادی.

(به شرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد می‌کنم عبارت«بدون عذر موجه‌اگرنپرداخت محروم باشند» ضمیمه نمایند.

رئیس — پیشنهاد آقای فرشی.

(بشرح ذیل قرائت شد)

در مادهٔ دوازدهم نوشته شود بعلاوه اشخاص بی‌سواد و اشخاصی که از بابت عوارض بلدی بقایا دارند.

رئیس — مادهٔ سیزدهم.

(بشرح ذیل خوانده شد)

اشخاص ذیل از شرکت در انتخابات ممنوعند .

۱ — حکام و معاونین آنها ۲— عمل نظمیه و امنیه درمحل مأموریت ۳ — تبعه خارجه ۴ — مأمورین نظام بری و بحری‌داخل در خدمت ۵ — اعضاء اداری و مستخدمین جزء بلدیه واشخاصی که در مؤسسات خیریه‌بلدی اعاشه می‌کنند.

رئیس — آقای میرزا عبدالله‌خان وثوق. (اجازه)

میرزا عبدالله‌خان وثوق — مخالفت بنده راجع به این ماده در قسمت پنجم است که مینویسد اعضاء اداری و مستخدمین جزء بلدیه از انتخاب وکلای بلدی محرومند و حال آنکه بنده تصور می‌کنم اعضاء اداری بلدیه بیشتر از سایرین مطلع هستند به‌حال اشخاص که صلاحیت دارند برای وکالت بلدیه‌و هیچ مناسبتی‌هم ندارد که ما از نقطه‌نظر اینکه اعضاء بلدیه هستند آنها را از حق انتخاب محروم کنیم.

رئیس — آقای حائری‌زاده. (اجازه)

حائری‌زاده — انجمن بلدی باید به‌بینیم وظیفه‌اش چیست؟ وظیفه‌اش نظارت در امور اعضاء بلدیه است که آنها زیاد روی نکنند و مالیاتهای بی‌معنی نخواسته باشند به‌مردم تحمیل کنند و حقوق زیادی برای خودشان برقرار کنند. اعضاء انجمن بلدی مدافع حقوق مردم هستند و ما اگر به اعضاء بلدیه بخواهیم حق

www.iran-archive.com

بدهیم وکیل را موافق میل خودشان انتخاب کنند آنوقت یک انجمن بلدی که باید نظارت در امر اعضاء بلدیه بکند وکیل خود این اعضاء خواهد بود و فلسفه نظارتش از بین میرود و هرلایحه را بلدیه میاورد برای اضافه حقوق و مفاصا حساب و غیره لابداست امضاء کند از این جهت ما نباید آنها را شرکت بدهیم درانتخابات برای اینکه انجمن بلدی صحیحی بتواند وظیفه خودش راانجام بدهد.

رئیس — آقای معاون.

معاون وزارت داخله — در این فقرهٔ پنجم که مذاکراتی شد اگرچه نظراول این بوده‌است وبنده خودم هم شرکت دراین نظر داشته‌ام اما نظر ثانی هم که آقای میرزا عبدالله‌خان فرمودند او هم بنظر قابل توجه میاید ولی حالا شوراول است وعقیده بنده این است که در بین‌الشورین در این باب آنچه لازم باشد باید مطالعه کنیم و ترتیبی داده شود بطوریکه هم سلب حقی نشده باشد وهم جریان انتخابات بطور صحیح تأمین شود.

رئیس — آقای شریعت‌زاده. (اجازه)

شریعت‌زاده — به نظر بنده توضیحاتیکه آقای حائری‌زاده دادند بقدری جامع و مبتنی بر دلایل بود که دیگر تکرارش ضرورت ندارد و تصور می‌کنم در تشکیلات اجتماعی نظر بایستی...

رئیس — شما معلوم میشود با ماده موافقید.

شریعت‌زاده — بلی آقای معاون مخالف بودند.

معاون — بنده مخالف نبودم عرض کردم دربین‌الشورین اصلاح میشود.

رئیس — (خطاب به‌آقای شریعت‌زاده) بفرمائید. پس از یک مخالف. آقای عدل موافقید با ماده یا مخالف؟

عدل — مخالفم.

رئیس — بفرمائید.

عدل — بنده خواستم عرض کنم که اینجا خوب است‌علاوه شود رؤسای دوایر دولتی هم محروم هستند بعلاوه مستخدمین دولتی هم اگر انتخاب شوند باید از شغل خودشان استعفا بدهند.

رئیس — با اصل ماده‌که مطرح است فعلا موافق بودید منتهی میفرمائید نقص دارد دیگر مخالفی نیست؟

بهبهانی — بنده مخالفم.

رئیس — بفرمائید.

میرممتاز — بنده میخواستم...

رئیس — نوبهٔ آقای بهبهانی است.

بهبهانی — بنده تصور می‌کنم عضویت بلدیه یا عضویت یک اداره یک چیزی نیست که آنها را از یک حقوقی محروم کند. علاوه بر این فلسفهٔ که آقای حائری‌زاده فرمودند بنده در اینجا جاری نمیدانم. برای اینکه ملاحظه بفرمائید بلدیه چه‌قدر اعضاء میتواند داشته باشد بنده تصور می‌کنم اعضاء بلدیه زیاد برپانصد نفر یا ششصد هفتصد نفر نخواهند بود بنابراین در مقابل ده هزار بیست هزار یا سی هزار نفر یا پنجاه هزار نفر اعضاء بلدیه چه اکثریتی میتوانند احراز کنند که بالاخره مطابق منافع خودشان انتخاب صورت بگیرد؟ علاوه براین بنده تصور میکنم کلیه امور مملکتی راجع به‌منافع مملکت است و آنچه منافع مملکتی است راجع بمنافع اشخاص است. و درهرصورت بنده این قید را زاید میدانم که‌اعضاء بلدیه را از حق انتخاب محروم کنند. علاوه بر اینکه بنده آنها را ابصر میدانم و البته میدانند چه اشخاص بهتر میتوانند امور بلدیه را انجام بدهند. پیشنهاد هم کردم که این قسمت اصلاح شود.

رئیس — آقای شریعت‌زاده. (اجازه)

شریعت‌زاده — به‌عقیدهٔ همهٔ آقایان نمایندگان محترم دروضع قوانین باید یک خصوصیاتی رعایت بشود و در موقع وضع‌قانون واضع عقیدهٔ خودش را بگوید تا در موقع عمل نتیجهٔ خودش را بدهد باین معنی که اگر در نظرداشته باشد یک انجمن‌حقیقتةً برای انجام وظیفه انتخاب شود که بدون هیچ ملاحظهٔ در قضایای مربوطه بخودش عمل کند باید این قید را بعمل بیاورد. و اما اینکه آقا فرمودند عقیدهٔ این قبیل اشخاص اثری نخواهد داشت تصدیق میفرمائید که همیشه در این قبیل انتخابات اشخاصی که خیلی مصلحتشان اقتضا می‌کند که بروند تعرفه بگیرند آنها بیشتر اصرار خواهند داشت و اگر اعضاء بلدیه پانصد نفر باشند بالاخره این پانصد نفر در وضعیات یک انتخابی تأثیر خواهند داشت و مقصود اصلی بعمل نمیاید لذا بنده تصور میکنم این قید ضرورت دارد واگر هم مثلا تصور کنیم با یک اصولی موافقت ندارد این مسأله هم یک امر مشکوکی است ولی مصلحتش مسلماً لزوم دارد و باید تأمین شود.

رئیس — پیشنهاد آقای بهبهانی.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

در مادهٔ سیزدهم پیشنهاد مینمایم جزء پنجم تا آخر ماده حذف شود.

رئیس — پیشنهاد آقایان ثابت و میرزا عبدالله‌خان وثوق هم در همین زمینه است. پیشنهاد آقای میرممتاز هم یک قسمتش در همین زمینه است.

(بشرح آتی قرائت شد):

بنده پیشنهاد میکنم در آخر جزء اول مادهٔ سیزدهم علاوه شود «در محل حکومت» و نیز از اول جزء پنجم عبارت «اعضاء و مستخدمین بلدیه» حذف گردد.

رئیس — پیشنهاد آقای نجومی.

(این‌طور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم مادهٔ سیزده قسمت پنجم بطریق ذیل اصلاح شود: اعضاء اداری بلدیه و مستخدمین جزء آن الی آخر.

رئیس — پیشنهاد آقای احتشام‌زاده هم راجع بحذف قسمت پنجم است مادهٔ چهاردهم. (به‌ترتیب ذیل قرائت شد):

مادهٔ ۱۴ — شرایط انتخاب شوندگان همان شرایط‌انتخاب کنندگان است بعلاوه باید لااقل سی سال داشته. خط و سواد فارسی باندازهٔ کافی دارا و معروف‌بامانت و درستکاری باشند.

رئیس — آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسیدیعقوب — بنده میدانم یک مسألهٔ را که میخواهم اظهار کنم آقای حائری‌زاده از همانجاحمله می‌کنند ولی عقیدهٔ بنده

این است که اعضاء بلدیه که میخواهند انتخاب شوند در واقع اشخاصی باید باشند که یک نحوهٔ کدخدامنشی و متانتی در آنها باشد که در تسهیلات و تسویهٔ امور و این چیزها دارای یک مقامی باشند مثل اینکه همانطورکه در قضاة شرط می‌کنیم‌دارای چه مقام عالی باشند که رعب و هیبت آنها و حیثیت آنها طرفها را چیز* کند همین‌جور اعضاء انجمن بلدی باید یک اشخاصی‌باشند کدخدامنشی داشته باشند که قضایا و امور وارده را بتوانند حل کنند. این است که باید در آنها متانت و بزرگواری باشد و از این نقطهٔ نظر بنده سی سال راکم میدانم زیرا وکلای بلدی که درواقع اداره و آبادی شهر را در تحت نظر می‌گیرند چون سی‌سال آن‌اندازه پخته نشده‌اند میخواهم پیشنهاد کنم از چهل به‌بالا باشد زیرا اینها باید بعنوان کدخدامنشی در حفظ آبادی و پاکیزگی شهر بکوشند. آنوقت آقای حائری‌زاده میگویند که در انتخاب کنندگان گفتی باید از فلان سن باشد. بلی بنده هر دو طرف را جمع کردم در اینجا از پانزده سال به‌بالا میگوییم ولکن این اشخاص بایداولویت داشته باشند که‌بتوانند قضایای شهر را بعنوان و مقام کدخدامنشی وبزرگیشان حل و تسویه نماید این است که بنده باسی سال‌مخالفم و پیشنهاد میکنم سی و پنجسال باشد.

مخبر — مطالعات اعضاء کمیسیون هم در این قسمت تقریباً نزدیک به‌نظریات آقای آقاسید یعقوب بوده است و اصلا سی و پنجسال از تصویب کمیسیون گذشته است شاید درضمن تنظیم مواد یا در موقع طبع این اشتباه شده است حالا هم‌استدعا میکنم تصحیح شود. منظورکمیسیون سی و پنجسال بوده و در ضمن شور ثانی هم کمیسیون اصلاح خواهد کرد.

رئیس — آقای ارباب. (اجازه)

ارباب کیخسرو — بنده راجع بخط و سواد فارسی که اینجا نوشته‌اند باندازهٔ کافی باشد متأسفانه هنوز یک مقیاسی برای کفایت خط و سواد معین نشده که معلوم شود چه اندازه است. خیلی اشخاص هستند که وقتی بتوانند اسم خودشان را بنویسند این را کافی میدانند یک اشخاصی یک قدری زیادتر را کافی میدانند. درصورتیکه اشخاصی که حائز این مقام میشوند باید آنقدر دارای معلومات باشند که بتوانند وظایف خودشان را تمیز بدهند. بنده‌اگر چه نظر بالاتر داشتم پیشنهاد کنم که اقلا حداکثر کلاس‌متوسطه را بدانند ولی از نقطهٔ نظر اینکه ممکن است یک اشخاص مجربی باشند که در زمان خودشان اینقدر تحصیل نکرده باشند پیشنهاد کردم لااقل باندازهٔ کلاس شش ابتدائی سواد داشته باشند. کمتر از این را بنده تصور میکنم اگر شرط کنیم یک زحماتی تولید شود.

رئیس — آقای حائری‌زاده. (اجازه)

حائری‌زاده — بنده خیلی تمجید میکنم نظر نماینده محترم‌را ولی‌این را هم لابدم عرض کنم که‌قانون را ما برای امروزمینویسیم برای بیست سال دیگر نمی‌نویسیم. بیست سال دیگر که ما مدارس ابتدائی در اقصی نقاط مملکت داشته باشیم این قانون برای آن موقع خیلی مفید است. ولی حالا ما کلاس چهارم هم احتمال دارد در بمپور و جیرفت و فهرج نداشته باشیم. اندازهٔ کافی که نوشته شده نسبت به نقاط مختلف است در نقاطی که اشخاص فاضل و کامل زیاد پیدا میشود بدیهی است تحصیلات کلاس متوسطه هم کافی نیست و باید تحصیلات عالیه هم کرده باشند. درطهران اگر وکلای انجمن بلدی بخواهند انتخاب کنند باید اشخاص دانشمندی باشند که کلاس متوسطه را هم تمام کرده باشندبلکه از کلاس عالی هم تصدیق گرفته باشند. ولی در نقاطی که شش کلاس ابتدائی هم نیست همان درجه راکه در آن نقاط بتوان حد اعلی فرض کرد ما برای‌آنها سواد قائل شده‌ایم. این است که همینطورکه اینجا نوشته شده اگر عمل شود بعقیدهٔ بنده بحال و وضعیت امروزه‌انسب خواهد بود.

رئیس — پیشنهاد آقای امامی.

(بشرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که قسمتهای ۳ و ۴ مادهٔ پانزده‌بترتیب ذیل اصلاح شود.

بعضی از نمایندگان — به‌مادهٔ پانزدهم نرسیده‌ایم.

امیرتیمور کلالی منشی — اینجا این‌طور نوشته است.

رئیس — میماند برای بعد. پیشنهاد آقای یاسائی.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در مادهٔ چهاردهم سی سال به بیست و پنجسال تبدیل شود.

رئیس — پیشنهاد آقایان بهبهانی و روحی هم بیست و پنج سال است. پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب

(به این ترتیب قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در مادهٔ چهاردهم عوض کلمهٔ سی‌سال نوشته شود سی و پنج سال الی آخر.

رئیس — پیشنهاد آقای احتشام‌زاده.

(بشرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم‌بجای سی و پنجسال سی‌سال نوشته‌شود.

رئیس — پیشنهاد آقای ارباب.

(به این نحو قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم مادهٔ چهاردهم در قسمت سواد این قسم اصلاح شود. لااقل باندازهٔ کلاس شش ابتدائی سواد فارسی داشته باشد.

رئیس — پیشنهاد آقای حق‌نویس.

(به این نهج قرائت شد)

اینجانب پیشنهاد میکنم که شرط تأهل هم به‌مادهٔ‌چهارده ضمیمه شود.

رئیس — مادهٔ پانزدهم.

(بمضمون آتی قرائت شد)

مادهٔ ۱۵ — اشخاص ذیل ازحق انتخاب شدن محرومند:

۱ — نسوان ۲ — تبعهٔ خارجه ۳ — حکام و معاونین‌آنها ۴ — مستخدمین امنیه و نظمیه و اهل نظام‌بری وبحری که داخل در خدمت هستند ۵ — ورشکستگان بتقصیر ۶ — محکومین بقتل

www.iran-archive.com

و سرقت ۷ — مقصرین سیاسی که برضد اساس حکومت ملی و استقلال مملکت قیام و اقدام نموده باشند.

رئیس — آقای شریعت‌زاده. (اجازه)

شریعت‌زاده — مخالفت بنده بااین ماده ازدو نقطهٔ‌نظر است یکی اینکه در مادهٔ چهارده قید میکند شرایط انتخاب شوندگان همان شرایط انتخاب کنندگان است و شرایط انتخاب کنندگان هم همان شرایطی است که در منتخبین مجلس شورای ملی معین شده است. در آنجا هم دو قسم شرایط دارد شرایط مثبته و شرایط منفیه. درصورتی که آن شرایط هست دیگر در این ماده تکرارش ضرورت نداشت ولی حالا که نوشته شده است. باضافه بنده باقسمت شش این ماده مخالف هستم زیرا در این ماده منحصراً محکومین بقتل و سرقت را محروم کرده است درصورتیکه جنایات عدیدهٔ‌دیگر هست که اگر آنها را هم کسی مرتکب بشود و محکمه حکم محکومیت آن مقصر را بدهد باید محروم باشد لذا باید نوشته شود محکومین بقتل و سرقت و یا جنحه و جنایات دیگر.

رئیس — آقای احتشام‌زاده.

احتشام‌زاده — مخالفم.

مخبر — در این قسمت محرومیت حکام و معاونین آنها در حوزه‌های انتخابیه از اعمال نظر در امر انتخابات در اطراف یک سوابقی بوده است. از طرف وزارت داخله در کمیسیون و همچنین بین اعضاء خود کمیسیون در این قسمتها مذاکرات زیادی شد و مباحثات بطول انجامید بالاخره برای اختصار و از نقطهٔ نظر اینکه این موضوع سوابقی داشته است در اوضاع انتخابیه کمیسیون‌قائل باختصار شد. حالا اگر نمایندهٔ محترم آقای شریعت‌زاده در این قسمت نظری دارند که لازم است ذکر شود پیشنهاد بدهند در ضمن شور ثانی منظور میشود.

رئیس — آقای احتشام‌زاده. (اجازه)

احتشام‌زاده — بنده در قسمت انتخاب کنندگان مخالف بودم که اعضاء بلدیه از حق انتخاب کردن محروم باشند ولی در قسمت انتخاب شدن بنده معتقدم که در موقع تصدی باید محروم باشند زیرا در اینجا ممکن است اعمال نفوذ شود. بعکس درانتخاب کردن با آن ترتیباتی که آقایان فرمودند محرومیت لازم نبود.لذا بنده معتقدم در قسمت سوم که نوشته شده است حکام و معاونین آنها اضافه شود «وکارکنان بلدیه در موقع تصدی».

مخبر — اینجا تشخیص فرق میکند. اینکه کمیسیون نظر داشته است که اعضاء و اجزاء بلدیه حق نداشته باشند انتخاب کنند بملاحظهٔ نفع شخصی آنها بوده ولی در این قسمت که در اینجا بسکوت گذشته است و اعضاء اداری بلدی ممکن است انتخاب شوند برای این است که در اینجا جامعه باید تشخیص بدهد. اگر جامعه و اهل یک شهر تشخیص دادند که این شخص خوب عمل کرده است. خوب خدمت کرده است. باید انتخاب شود و خوب هم هست که انتخاب شود ولی اگر مردم تشخیص ندادند البته انتخاب نخواهد شد.

بعضی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — پیشنهادات قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم قسمتهای ۳ و ۴ مادهٔ ۱۰ بترتیب‌ذیل اصلاح شود.

۳ — عموم مأمورین دولتی اعم از لشکری و کشوری که که داخل در خدمت باشند. (امامی)

پیشنهاد آقای افشار — پیشنهاد میکنم از مادهٔ ۱۰ قسمت اول حذف شود.

پیشنهاد آقای میرممتاز — این بنده پیشنهاد میکنم در آخر جزء سه ازمادهٔ ۱۰ علاوه شود «مأمورین مالیه درقلمرو مأموریت».

پیشنهاد آقای عدل — در مادهٔ پانزدهم پیشنهاد میکنم علاوه شود: رؤسای دوائر دولتی عموماً و مستخدمین ادارات‌دولتی مگر از شغل خود استعفا نمایند.

پیشنهاد آقای روحی — پیشنهاد میکنم که: رؤساء دوائر دولتی (در محل خودشان) علاوه شود.

پیشنهاد آقای فهیمی — بنده پیشنهاد میکنم در مادهٔ پانزدهم فقرهٔ چهارم بترتیب ذیل نوشته شود:

۴ — مستخدمین دوائر دولتی و امنیه و نظمیه و اهل‌نظام الی آخر.

پیشنهاد آقای احتشام زاده — بنده پیشنهاد میکنم بفقرهٔ سه مادهٔ ۱۰ «کارکنان اداری بلدیه درموقع تصدی‌اضافه‌شود».

پیشنهاد آقای شریعت‌زاده — پیشنهاد میکنم قسمت ۶ از مادهٔ پانزدهم به ترتیب ذیل اصلاح شود: (محکومین بجنحه و جنایات).

رئیس — آقایان موافقند قدری تنفس داده شود؟

بعضی از نمایندگان — صحیح است.

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیمساعت مجدداً تشکیل گردید).

رئیس — آقای وزیر مالیه برای جواب بعضی از سؤالات آقای محمد ولی‌میرزا حاضرند.

محمد ولی‌میرزا — چند فقره سؤال بنده مدتی قبل از وزارت مالیه کرده بودم. هر چند حالا کاملا در نظرم نیست چون مدتی است گذشته ولی بعضی از آنها که در نظرم هست عرض میکنم. یکی از آنها این است که مطابع شهر تبریز شرحی نگاشته‌اند به‌نمایندگان آذربایجان و تظلم کرده‌اند که با وجود اینکه قیمت کاغذ درشهر تبریز از طهران ارزان‌تر است بلکه در بعضی موارد از نقطهٔ نظر تجارتی طوری است که کاغذ از تبریز حمل میشود و به‌طهران میآید.

با این حال مطبوعات و اوراقی که طرف احتیاج اداراتست این اوراق را در طهران طبع میکنند و به تبریز میفرستند و این مسأله اسباب شکست و نقصان کار مطابع تبریز شده است. چون‌در آنجا جراید و مطبوعات زیادی هم نیست و در واقع کار خیلی کمتر پیدا میشود که بمطابع رجوع شود. بعلاوه در آنجا چندین مطبعه خوب است و چرخهای جدید وارد کرده‌اند و خیلی منظم‌است ولی

از این راه یک ضرر کلی و عمده به آنها وارد آمده است. بنده مخصوصاً خواستم به‌بینم اگر از نقطهٔ نظر اقتصاد و صرفه‌جوئی‌این کار شده است که مسلماً اینکار بضرر وزارت مالیه تمام میشود و اگر جهات دیگری دارد از قبیل تمرکز اوراق و غیره که آنها یک اوراق قیمتی نیستند که نباید در محل طبع شود و باید از اینجا بفرستند؟!

وزیرمالیه — در باب مطبوعات‌ایالات و ولایات درچهاردهم فروردین هزار و سیصد و پنج بهمه‌جا دستور داده شده است که اوراق مطبوعهٔ که برای ولایات لازم است در همانجاها طبع شود و از مرکز برای آنها چیزی فرستاده نمیشود. به‌آذربایجان که مخصوصاً همینطور دستور داده شده است که تمام اوراق مطبوعه را غیر از اوراق بهادارکه باید در مرکز طبع کنند و فرستاده شود بقیه را تماماً درمحل طبع کنند. این مسأله درچهاردهم فروردین هزار و سیصد و پنج اقدام شده است اگر در بعضی جاها قصورشده است خوبست تذکر بدهند که رفع آن بشود.

محمدولی‌میرزا — اجازه میفرمائید.

رئیس — بفرمائید.

محمد ولی‌میرزا — مراسلهٔ شکایت که از مطابع تبریز رسیده است تاریخ آن بیست و نهم شهریور است و از فروردین تا شهریور هم چندین ماه گذشته است و این مسأله که آقای وزیر مالیه فرمودند البته صحیح است و بنده تردیدی ندارم و شاید بطوریکه آقای وزیر مالیه فرمودند بطور متحد المآل این قضیه صادر شده باشد ولی در آذربایجان بموقع اجرا گذاشته نشده باشد والا اسباب شکوه و شکایت مطابع نمیشد.

وزیر مالیه — خوبست مقرر بدارند آن صورت شکایتی که از آذربایجان رسیده است به وزارت مالیه بفرستند تا تحقیقات‌بشود و اگر چنانچه خلاف متحد المآل رفتار شده باشد البته مؤاخذه خواهد شد.

رئیس — به‌مجلس شورای ملی‌هم دراین باب شکایت کرده بودند و ازطرف کمیسیون عرایض‌ومرخصی اینطور تصمیم‌گرفته شد که‌شرحی به‌وزارت مالیه بنویسند. نوشته‌هم شده است.ممکن است ملاحظه بفرمائید وجواب کافی بدهید.

وزیرمالیه — بسیار خوب.

محمدولی‌میرزا — راجع به بلدیه هم بنده سؤالی کرده بودم از وزارت مالیه درخصوص پرداخت مخارج بلدیه شهر تبریز.

وزیرمالیه — بلی‌راجع به‌بلدیه تبریز سئوالی فرموده بودند عایدات بلدیه بااینکه زیادتر از میزانی است که حالابه‌بلدیه‌داده می‌شود چطور شده است که‌باقی این وجوه به‌مصرف بلدیه نمی‌رسد؟ صحیح است. عایدات بلدیه تبریز تقریباً شصت‌وشش هزارتومان می‌شود واز بابت این شصت‌وشش هزار تومان که از تبریز صورت خواسته شد وبه‌طهران فرستادند یعنی قبل از اینکه کمیسیون بلدی تبریز با اطلاع امین مالیه آذربایجان تهیه کرده بودند ومخارج مقرره بلدیه را به‌میزان سی‌وشش هزار تومان که ماهی سه هزارتومان باشد تخمین کرده بودند این بود که بهمین میزان حواله شد وبه‌آنها پرداخته شد بعدکه صورت‌رسیدونوشته بودکه شصت‌وشش هزار تومان عوائد سالیانهٔ بلدیه است باز صورت خواسته شد که کمیسیون با اطلاع رئیس مالیه آنجادر حدود این تفاوت مخارجی که‌لازم است پیشنهادکنند وبه‌وزارت مالیه ارسال دارند تا وزارت مالیه امربدهد آن باقی شصت‌وشش هزارتومان‌هم به‌بلدیه داده شود این اقدام شده است محض اطلاع‌عرض شد اگر اجازه می‌فرمائید این‌لایحه راهم تقدیم‌کنم‌ـ ازاولی که این کابینه تشکیل شد مسئله مالیات صنفی مخصوصاً طرف توجه هیئت دولت وآقای رئیس‌الوزراء واقع شد و به دکتر میلیسپوو وزارت مالیه هم مخصوصاً امر داده شدکه‌دراین‌باب مطالعاتی بنماید بلکه ترتیبی اتخاذ شودکه مالیات اصناف را زودتر رفع نمایند . وزارت مالیه‌هم دراین باب مطالعاتی کرد وپیشنهاداتی هم تهیه نمودکه این مالیاتی که ازاین محل‌حذف می‌شود ازیک محل دیگری آنرا بتوان جبران‌نمود و البته دولت خیلی خوشوقت شد ازاینکه دید آقایان نمایندگان محترم هم‌دراین مسئله کمال توجه را دارند حتی کمیسیون محترم بودجه هم خیلی این‌مسئله را قابل اعتنا وتوجیه دانستند وبرای اتمام و انجام این مسئله یک وقتها و مطالعات‌کاملی بعمل آوردند چنانچه‌درچند روز قبل که هیئت‌دولت به‌کمیسیون بودجه دعوت شده بودند وآمدند راجع به‌همین فقره مذاکراتی شد و تقریباً رأی متفقی به‌اتفاق دولت وکمیسیون بودجه اتخاذ شده این است که چون این‌مسئله تقریباً انجام‌گرفته وطرف توجه نمایندگان محترم است لذا این پیشنهادکه راجع به همین موضوع است به‌مجلس‌شورای ملی تقدیم می‌شودکه بفوریت دراتخاذ رأی آن اقدام‌شود .

رئیس — قرائت می‌شود. بعد دوفوریتش مذاکره می‌شود.

(به‌شرح ذیل قرائت شد)

مجلس مقدس شورای ملی شیدالله‌ارکانه- نمایندگان‌محترم ازمقصود دولت دراصلاح ترتیب مالیات گذاری بخوبی مسبوق هستند دولت فعلا تصمیمی اتخاذ نموده که مالیات اصناف‌را ملغی وبرای اینکه کسری در بودجه ازاین حیث ظاهر نشود درنظر گرفته است بعد یک مالیات دیگری که بیش ازاین‌منصفانه بوده‌وتقریباً همان عایدات را داشته باشد به‌مجلس شورای‌ملی تقدیم دارد لهذا از نمایندگان محترم تمنا می‌شود که با فوریت لایحه ذیل را تصویب فرمایند .

مادهٔ‌اول — ازاول فروردین ۱۳۰۶ به‌بعد تمام مالیاتهای اصنافی درکلیه ممالک محروسه ملغی خواهد بود.

مادهٔ‌دوم — بقایای مالیاتی اصنافی که دچار ضعف یا معدوم شده دریافت نخواهد گشت .

رئیس — راپرتی که دراین باب ازکمیسیون بودجه‌صادر شده است بایک اختلاف مختصری در عبارات عین‌همین دو ماده است. کمیسیون بودجه هم تصویب کرده است درعین این‌حال آقایان ممکن است یکی ازاین دونظر را اتخاذ فرمایند یاعین این لایحه مطرح شود یادر جلسهٔ‌دیگر خبرکمیسیون‌بودجه مطرح‌شود.

آقای شیروانی (اجازه) .

www.iran-archive.com

شیروانی— عرض کنم در مسائلی که غالباً تقاضای فوریت می‌شود یک وقت یک جمله بایک کلمهٔ‌را ممکن است مجلس تصویب بکند که‌صلاح نباشد. کمیسیون بودجه تقریباً این دوماده را به‌صورت یک ماده وتبصره بایک دقتی دراطراف تمام عبارات وجملاتش تصویب کرده است وخبرش هم‌همان روزی که‌تصویب شد تقدیم شده است و تصور می‌کنم الان درتحت طبع‌وتوزیع باشد. اگر آقایان موافقت بفرمایند این‌لایحه هم بیاید به‌کمیسیون بودجه اگر اختلافی بین‌این‌لایحه وخبرکمیسیون بودجه بوده، با توافق نظر دولت آن اختلاف رفع شود و اگر هم اختلافی نبود که‌همان خبرکمیسیون در جلسهٔ آتیه مطرح می‌شود- به‌عقیده‌بنده اینطور بهتر است .

رئیس— این بسته است به‌نظر آقای وزیر مالیه .

وزیرمالیه— بنده حرفی ندارم چون درکمیسیون مذاکره شده واین کار ختم شده . قبول میکنم بماند برای جلسهٔ بعد .

رئیس — آقای احتشام زاده از وزارت مالیه سئوالی کرده بودند .

احتشام‌زاده — بلی بنده سئوالی از وزارت مالیه کرده بودم راجع بتوقیف املاك حاج‌امین‌الله‌نصرت .

رئیس — (خطاب بوزیرمالیه) مسبوق هستید؟ قبلااطلاع داده‌اند ؟.

وزیرمالیه — امروز برای جواب‌حاضر نیستم .

رئیس — آقای فرشی هم سئوالی‌داشتند ؟

حاج‌میرزا آقا فرشی — بلی بنده سئوالی از وزارت‌مالیه کرده بودم راجع باین مالیاتهای اضافی که حالا مطرح بود. با اینکه مجلس شورای ملی میخواهد مالیاتهای صنفی را بکلی ملغی کند متأسفانه در تبریز مأمورین مالیه از اضافی که اساساً مالیات نداشته‌اند مطالبه مالیات می‌کنند ویک مالیاتهائی که‌اصلااساس ندارد مطالبه می‌کنند! خواستم عرض کنم دستور داده شود که این مالیاتها را که خودشان ایجاد کرده‌اند مطالبه نکنندتااینکه از طرف مجلس شورای اسلامی تصمیمی دراین خصوص اتخاذ و لغو شود .

بعضی از نمایندگان — صحیح است .

رئیس — مادهٔ شانزدهم قانون بلدی قرائت میشود .

(ماده مزبور بضمیمه تبصره اینطور قرائت شد)

مادهٔ ۱۶ — عدهٔ اعضاء هیئت نظار انتخابات انجمن بلدی هفت نفر وبترتیب ذیل انتخاب میشوند : انجمن بلدی چهارده‌نفر از معاریف محلات شهر را که دارای حق انتخابات کردن باشند در طهران بوزارت داخله ودر سایر شهرها باداره حکومتی معرفی مینماید و وزارت داخله یا اداره حکومتی از آنها دعوت نموده و بحکم قرعه هفت نفر ازبین آنها برای عضویت هیئت نظار معین میگردد .

تبصره — در نقاطی که انجمن بلدی وجود نداشته باشد در طهران وزارت داخله ودرسایر شهرها اداره حکومتی بدلول ماده فوق را اجرا مینمایند وهیئت نظار در طهران با حضور نمایندهٔ وزارت داخله ودر سایر شهرها با حضور نماینده حکومت تشکیل میشود .

رئیس — آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی — مخالفت بنده با این ماده‌از چند نقطهٔ نظراست اولا یک تفاوتی قائل شده‌اند راجع بطرز دعوت ومعرفی نظار بین طهران وولایات باین‌معنی که‌نوشته‌اند در ولایات حکومت‌دعوت نماید ولی در طهران وزارت داخله دعوت کند - بنده نمی‌فهمم این تفاوت برای چیست ؟ اگرطهران حکومت لازم ندارد ادارهٔ حکومتی را ملغی کنند. اگر هم لازم دارد ؟ پس این تفاوت بین مرکز وسایر نقاط برای چیست ؟ وبچه دلیل دراین موردبخصوص وزارت داخله کار حکومت را بکند ؟ یکی دیگر از چیزهائی که مورد نظر بنده است این است که وقتی ما دردورهٔ پنجم قانون انتخابات را این‌جا اصلاح کردیم سعی کردیم ترتیبی بدهیم که انجمن‌های نظارت انتخابات مجلس شورای ملی طوری انتخاب وتشکیل شود که بیشتر مورد اطمینان واعتماد مردم باشد ولی متأسفانه در عمل دیده شد که بهتر نشد وغالباً شکایاتی که از انتخابات اطراف راجع باین موضوع میرسید بیشتر راجع بطرزدعوت وانتخابات اشخاص مختلفه بود برای تشکیل انجمن نظارت - این ماده هم تقریباً شبیه است بآن مادهٔ که درقانون انتخابات است . یعنی همانطور که درآن قانون اختیار داده شده است بحکام که‌با هرکس رفت وآمد دارند ، با هرکه دوست هستند و باهریک از دو دستهٔ که آشناتر هستند از همانها دعوت کنند وهمان‌تیپ را برای تشکیل انجمن بخوانند ونظار غالباً ازیک دسته انتخاب شوند(که همین‌قضیه‌در عمل دچار اشکال و دادوفریاد مردم‌شد) حالا دراینجا هم بنده‌مـی‌ترسم راجع به‌انتخاب‌نظار بلدیه یک چنین اختلافاتی پیش بیاید که ما خودمان این مشکلات را در قانون باعث شده باشیم. در طهران حکومت یا وزارت داخله روی نظریات سیاسی که‌هروقت هست یک عدهٔ مخصوصی را برای انجمن نظارت انتخابات دعوت می‌کندواینجاهم اختیار انتخابات انجمن بلدی قطعاً بدست‌یک عدهٔ معینی می‌افتد وبساهست که همین قضیه موجب یک کشمکش‌های بی‌اساس شده است که هیچ‌لزوم نداشته است قضیه در درجه اول اهمیت نداشته است. در درجه‌دوم وسوم مهم شده است . بنده عقیده‌ام این‌است که ما باید این قضیه را واگذار کنیم به‌نظر خود مردم و اینطورپیش‌بینی کنیم که این قضیه به‌نظر صنوف مختلفه مردم باشد وآنهادعوت شوند دریکی ازادارات دولتی وخودشان ازبین‌خود دونفر، سه‌نفر یاهرقدرکه لازم است از معاریف شهر انتخاب کنند ونامزد کنند. آنوقت حکومت ازبین‌آن عدهٔ که معرفی گشته‌انـد دعوت بکند. به‌عقیدهٔ بنده اینطور بهتر است که ازهر محلی یک عده از اصناف وهیئت‌های مختلفه محلی ازبین خود عدهٔ را معین کنند و ازآن عده نظار انتخاب بشوند و این ترتیب بهتر می‌تواند مورد اطمینان مردم واقع شود که‌فردا یک طوری نشود که سرکار شکایات به مجلس وسایر جاها باز شودو ازاین رهگذر اختلافاتی حاصل‌شود

وقضیهٔ که در بادی امرمهم نیست خیلی مهم بشود.

ضیاء (مخبرکمیسیون)— دواشکال اساساً دربین هست‌یکی آشنا نبودن مردم به‌وظایف اجتماعی و حقوق ملی خودشان که درموقع انتخابات با نهایت دقت‌وسعی‌بیایند و وظائف ملی‌خودشان راانجام دهند . یکی‌دیگر هم‌مربوط به‌اصل‌قانون‌است به‌این معنی که قوانین قبل‌ازاینکه تقدیم مجلس‌شورای‌ملی بشود و ازتصویب مجلس بگذرد آنطوری‌که باید در جرائد مورد مباحثه ومطالعه عموم واقع نمی‌شود که نظریات مختلفه اظهار بشود تا قانون‌گذار ، نمایندگان، اعضاء دولت بدانند روی نظریات جامعه وروی احتیاجات ملت این لایحه باید تدوین شود. واما قسمتی‌راکه نماینده محترم آقای یاسائی فرمودند که چطور شده است درلایحه راجع به‌دعوت انجمن نظارت در طهران وزارت داخله قائم‌مقام حکومت واقع شده است؟ عرض می‌کنم که کمیسیون دراین مورد هیچ‌نظر خاصی نداشته است. وزارت داخله هم همچنین نظری دراین قسمت نداشته است بلکه این نظر برای طرحها و قوانین بوده است‌که ازکمیسیونهای داخلهٔ دوره‌چهارم‌وپنجم گذشته است وممکن است این‌را پیشنهاد بفرمایند برای شور دوم اصلاح شود. قسمت دیگری‌که فرمودند راجع به‌دخالت صنوف مختلفهٔ مردم در تشکیل و انتخاب هیئت نظار. البته اینطوری‌که نماینده محترم فرمودند عملی نیست. چون چطورممکن است‌کلیهٔ صنوف مختلفه در دارالحکومه یا درانجمن بلدی‌دعوت شوندچطور یک اجتماع بزرگی می‌شود بیایند و در یک امر خاصی نظر نمایند؟ وساده‌ترین اقسامی که به‌نظر کمیسیون آمد همین بود که‌پیشنهاد کرد که انجمن بلدی یعنی انجمنی‌که مطابق این قانون تشکیل می‌شود و از معاریف است و درصورت عدم تشکیل انجمن‌حکومت یا وزارت داخله چهارده نفر ازمحترمین ومعاریف را دعوت نماید وهیئت نظار تشکیل شود و ابداً دراین ماده‌هم حق دخالتی برای حکومت منظور نشده وحکومت حق هیچ‌قسم مداخله ندارد.انجمن بلدی چهارده نفر را معین می‌کند وبا حضور همان چهارده‌نفر هشت نفر معین می‌شوند و بلافاصله هیئت رئیسهٔ خودشان را انتخاب وبه‌وظائف قانونی خود عمل می‌نمایند وبه‌نظر کمیسیون اینطور ساده‌ترین اقسامی است که به‌نظر آمده است معهذا اگر نظریات دیگری باشد ممکن است باز پیشنهاد شود کمیسیون هم مطالعه می‌کند وبرای شور ثانی اصلاح می‌کند .

بعضی ازنمایندگان— مذاکرات کافی است .

رئیس— پیشنهاد آقای میرممتاز.

(این‌قسم خوانده شد)

بنده ماده شانزده را با اصلاحاتی به‌طریق ذیل پیشنهاد می‌نماید: از معاریف و معتمدین محلات شهرکه دارای حق انتخاب شدن باشند وداخل‌خدمت دولتی نباشند. و درآخر ماده اضافه شود هفت نفر دیگر به‌عنوان عضو علی‌البدل خواهند بود که‌موقع لزوم انتخاب کسری اعضاء انجمن نظار ازهمین عده به‌حکم قرعه تعیین می‌شوند .

رئیس— پیشنهاد آقایان حیدری ومفتی .

(این‌قسم قرائت شد)

این بنده پیشنهاد میکنم که کلمه قصبات‌هم در ماده شانزده‌درج شود .

رئیس — مادهٔ هفدهم .

(بشرح ذیل قرائت شد) :

مادهٔ ۱۷ — هیئت نظار بلافاصله در محل معینی جمع شده یکنفر رئیس ویکنفر نایب‌رئیس و سه‌نفر منشی برأی مخفی و باکثریت تام از بین خود انتخاب خواهند کرد .

رئیس — آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب — دراین ماده گمان میکنم نظری که بنده دارم قبول بشود بواسطه اینکه نوشته است با سه‌نفر منشی ویک نفر رئیس ویک نفرنایب‌رئیس باکثریت تام انتخاب‌میشود. بنده پیشنهاد کردم که اگر دومرتبه اکثریت تام نشد در مرتبه‌سوم به‌اکثریت نسبی باشد در همه‌جا هم جریان دارد .

بعضی از نمایندگان — صحیح است .

ضیاء مخبر — در اواخر قانون در ماده دیگر این قسمت منظور شده است که کلیه انتخابات باکثریت تام خواهد بودواگراکثریت تام حاصل نشد در نوبت سوم اکثریت نسبی مناط است

رئیس — معلوم میشود مذاکرات کافی است : پیشنهادات واصله قرائت میشود پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب .

(بترتیب ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم در مادهٔ ۱۷ بعد ازکلمه‌باکثریت تام‌اضافه شود درمرتبه سوم‌باکثریت‌نسبی

رئیس — پیشنهاد آقای میرممتاز.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم در مادهٔ ۱۷ بعد از هیئت نظار علاوه شود (که‌مسئول صحت جریان انتخابات بلدی است) بلافاصله تا آخر ونیز در آخر ماده اضافه شود (ونظم مجلس بارئیس ودر صورت غیبت بانائب‌رئیس وتحریرصورت مجلس: بامنشیان است).

رئیس — مادهٔ هیجدهم .

(بشرح ذیل خوانده شد)

مادهٔ ۱۸ — هیئت نظار میتواند در صورت ضرورت در شهرهای بزرگ برای انجام انتخابات شعب متعدده در نقاط‌مختلفه تشکیل نماید که درتحت نظر انجمن‌مرکزی وظایف خود راانجام دهند ومدت توزیع تعرفه واخذ آراء از یک هفته الی پانزده روز خواهد بود .

رئیس — آقای آقاسید یعقوب (اجازه)

آقاسید یعقوب — این ماده بعقیده بنده دونقص دارد. یک مسئله این است که در ماده نوزدهم یک چیزهائی نوشته شده است (که‌حالا بآن خواهیم رسید) ومعلوم میشود که‌تشکیل انجمن نظار برای انتخابات انجمن بلدی همانطور است که در قانون انتخابات مجلس شورای ملی مقررشده باین معنی که اگردقت کنیم مسئول صحت جریان انتخابات شعب هم همان‌انجمن نظارت مرکزی است مثلا اگر در طهران محتاج باشند که شعبی برای این انجمن وسرعت جریان امر تشکیل دهند اینطور معلوم

www.iran-archive.com

میشود که مسئول صحت جریان انتخابات بالاخره همان انجمن مرکزی است وشعب فقط یک جریان ظاهری دارد — این‌مسئله در خارج هم بین آقایان نمایندگان مورد مذاکره واقع شد وبنده عقیده‌ام این است بعد از آن‌که حق پیدا شد که شعب تشکیل شود این شعب خودشان باید مسؤول باشندنه انجمن مرکزی‌یکی دیگر اینکه اعضای شعب را هم معین نکرده‌اند که اگر انجمن محتاج شد شعبی تشکیل بدهد آن شعبه باید دارای چند عضو باشد ـ این است که بنده پیشنهاد میکنم اعضاء شعب هم مثل خود انجمن مرکزی هفت نفر نباشد که دائره‌اش وسیع باشد وسه الی پنج عضو کافی است حالا بسته بنظر آقایان است وبنده‌پیشنهاد کرده‌ام .

رئیس — آقای حائری‌زاده (اجازه)

حائری‌زاده — پیشنهاد ایشان البته در کمیسیون مورد دقت میشود ولی شعبهٔ سه‌نفری را بنده نمیدانم چطور میشودطرف اعتماد اهالی یک شهری قرارداد ؟ وانتخابات را در تحت‌مسئولیت آنها گذاشت .

رئیس — آقای احتشام‌زاده — (اجازه)

احتشام‌زاده — برطبق نظری که بدواً در موقع مذاکره در تشکیل انجمن وطرز انتخابات انجمن بلدی آقایان اظهار کردند بنده هم معتقدم که باید وکلای انجمن بلدی ازطرف محلات‌شهر انتخاب شوند وباین جهت تصورمیکنم این ماده با این‌طوری که نوشته شده است‌برای آن ترتیبی بود که اول کمیسیون در نظر گرفته بود و بنده معتقدم که بایستی هیئت نظار را برای‌هرمحل علیحده ومتناسب با وسعت شهر معین بکنند وترتیب شعب و انتخاب اعضاء آن را هم در قانون بنویسند. چون این قسمتها در ماده پیش‌بینی نشده عرض کردم .

مخبر — قانون سابق این قسمت را کاملا دارا بوده است و بعقیده بنده یکی از جهاتی که می‌گفتند این قانون عملی نیست همین بوده است . مانگاه میکنیم به‌طهران می‌بینیم در هر محلی‌از محلات طهران اشخاصی هستند که لیاقت عضویت انجمن بلدی‌را دارند ولی اگرما این قانون را ببریم در زرقان فارس یا درساوه یا جای دیگر ممکن است در یک محله پنج شش نفر از وجوه و اشخاصی که حق دارند حقاً عضو انجمن بلدی بشوند باشد اما در محله دیگر حتی یک نفر هم که لیاقت داشته باشد ممکن است موجود نباشد و اگر ما بگوئیم از هر محلهٔ انتخاب کنند. مثل این است که گفته‌ایم یک محله هم که‌پنج نفر عضو لایق داشته است بیایند وانتخاب بشوند ولی یک محلی که هیچ عضو لایق نداشته است در انتخابات شرکت نکند واین البته صحیح نیست این قسمت خیلی در کمیسیون مورد مباحثه ومذاکره واقع شد و بالاخره برای اینکه در شور اول یک مطالعه ومذاکره مبسوطی راجع بمواد میشود قرار براین شد که نظر مجلس شورای‌ملی هم راجع باین موضوع جلب‌شود تا در ضمن شور ثانی بیشتر در این قسمت دقت شود .

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — پیشنهادات . پیشنهاد آقای میرممتاز .

(این قسم‌خوانده شد)

بنده در مادهٔ ۱۸ اصلاح ذیل را پیشنهاد می‌کند.

۱ — بعداز (مختلفه) «شهر» علاوه ۲— بعد از (اخذآراء) علاوه شود «به‌نسبت وسعت محل از ۵ روز الی ۱۵ روز». بنده پیشنهاد میکنم تبصرهٔ ذیل جزء مادهٔ هیجدهم علاوه شود:

تبصره — اوقات دادن تعرفه واخذ آراء در انجمن‌مرکزی و شعب باید مقارن یکدیگر باشد .

رئیس — پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب.

(بترتیب ذیل قرائت شد) :

بنده پیشنهاد میکنم درمادهٔ ۱۸ بعد ازکلمهٔ (شعب‌متعدده) اضافه شود شعب مسئول صحت انتخاب حوزه هستندواعضاءشعب ازسه عضو تا پنج عضو تشکیل خواهند یافت .

رئیس — پیشنهاد آقای فرشی .

(این قسم خوانده شد) :

این بنده تشکیل شعب را در انتخابات بلدی مضربرصحت انتخاب میدانم لذا پیشنهادمیکنم مادهٔ هیجدهم اصلا حذف شود

رئیس — بکمیسیون ارجاع میشود درآنجا درست میشود .

پیشنهاد آقای احتشام‌زاده

(بمضمون ذیل قرائت‌گردید)

بنده پیشنهاد میکنم مادهٔ۱۸ بطریق ذیل اصلاح شود :

مادهٔ۱۸ هیئت نظار بتناسب عده محلات شهر یاقصبه که حوزه انتخابیهٔ وکلاء بلدی خواهد بود شعبی برای انجام امر انتخابات تعیین خواهد کرد.

تبصره — هرشعبه دارای هفت نفر عضوکه ازمعاریف‌محل انتخاب میشوند خواهد بود

رئیس — آقایان میرزایدالله‌خان وشریعت‌زاده پیشنهادختم جلسه کرده‌اند (نمایندگان صحیح‌است) ولی اگریک پیشنهادی میکردید که‌آقایان وزراء در موقع‌تشکیل جلسهٔ رسمی یاتشریف میآوردند اینجا یا اصلا میرفتند بهتر بود !! جلسه آتیه‌روزیکشنبهٔ آینده سه‌ساعت‌قبل از ظهر دستور اولا خبرکمیسیون بودجه‌راجع بالغاء مالیاتهای صنفی . ثانیاً بقیهٔ همین خبر راجع بقانون بلدی .

رئیس مجلس شورای ملی — سیدمحمد تدین

منشی : عبدالامیر منشی: امیرتیمور کلالی

www.iran-archive.com

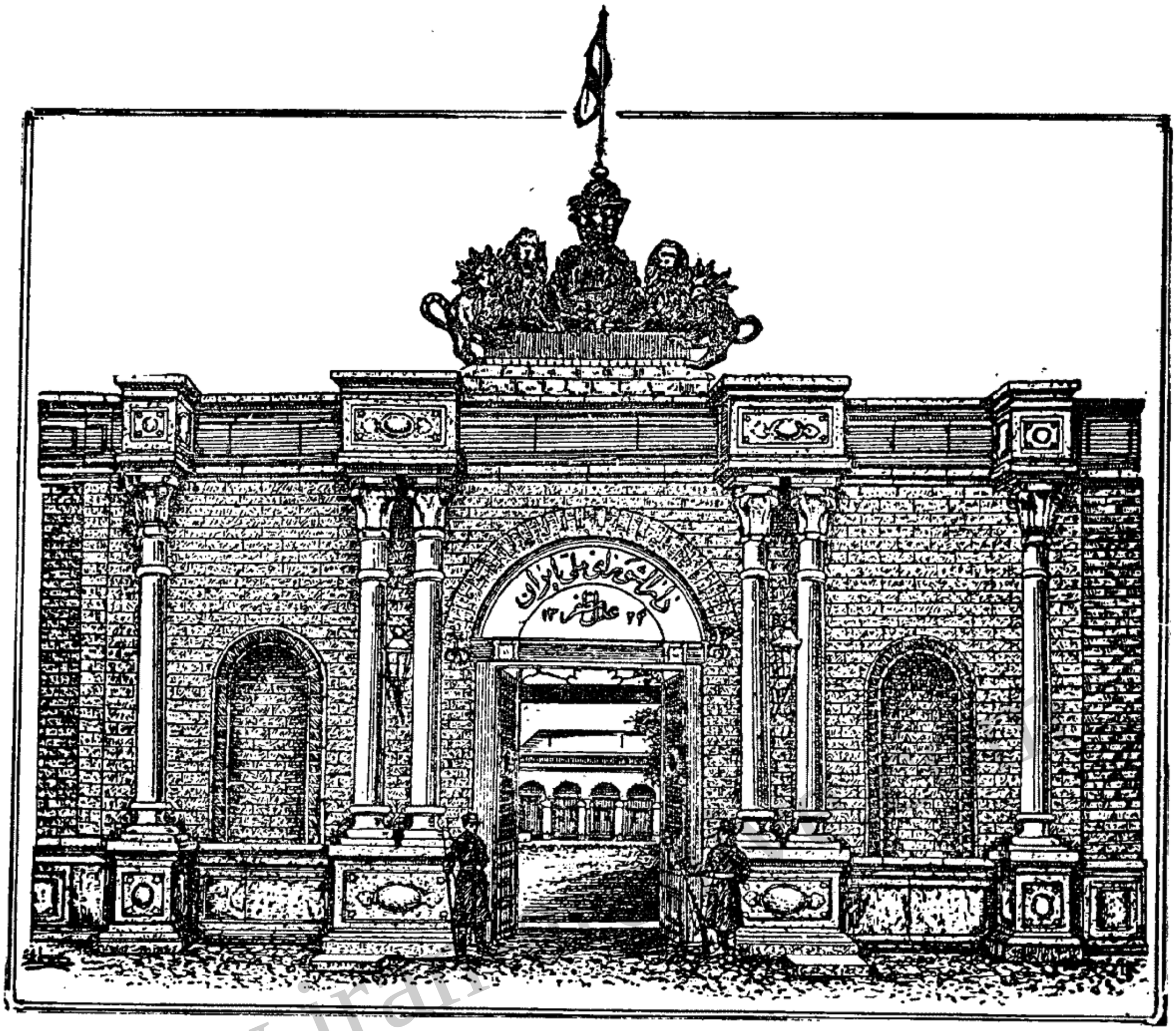

مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس یوم پنجشنبه ۳ آذرماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۰ شهر جمادی‌الاولی ۱۳۴۵

جلسه ۳۴

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل و صورت مجلس پنجشنبه سوم آذر قرائت و تصویب شد.

غائبین با اجازه — آقایان: هاشم‌آقا ملک‌مدنی، علی‌خان اعظمی، میرزا حسین‌خان دادگر، عباس‌میرزا، آقاسیدحسن‌مدرس، میرزا علی‌اکبرخان داور، میرزا حسن‌خان وثوق، جهانشاهی، طباطبائی دیبا، ثقةالاسلامی.

www.iran

غائبین بی‌اجازه — آقایان: محمدولی‌خان اسدی، حاج‌میرزا حبیب‌الله امین، میرزا ابراهیم‌خان قوام، محمدهاشم میرزاافسر.

دیرآمدگان با اجازه — آقایان: آقاسید جواد محقق، میرزا اسمعیل‌خان نجومی.

دیرآمدگان بی‌اجازه— آقایان: میرزا سید مهدی‌خان فاطمی، فیروز میرزا فیروز، مرتضی قلی‌خان بیات، حاج شیخ بیات، حاج‌حسن آقا ملک، صادق‌خان خواجوی ، میرزا یوسف‌خان عدل.

آقای زوار شرحی مشعر بلزوم اقدام فوری برای استخلاص تجار محبوسین در بادکوبه وجلوگیری از تجاوزات مأمورین دولتی در ولایات تقریر و آقای مهدوی تقاضا نمودند راپورت کمیسیون قوانین مالیه راجع بالغاء مالیات روده دردستور مقدم شود و چون خبر مزبور حاضر نبود بناشد پس از قانون الغاء مالیاتهای صنفی مطرح شود.

خبر کمیسیون بودجه راجع بالغاء مالیاتهای صنفی محتوی یک ماده و تبصره قرائت و آقای حاج‌آقارضا رفیع با قید عبارت (اصناف ضعیف) مخالف بوده و عقیده‌شان این بود از بقایا بطور مطلق صرف‌نظر شود و آقای حقنویس با الغاء مالیاتهای صنفی از اول سنهٔ (۱۳۰٦) مخالف بوده و معتقد بودند از تاریخ تصویب این قانون ملغی شود.

آقای شریعت‌زاده علاوه براین دو موضوع اظهار مینمودند عنوان (الغاء) مناسبت ندارد زیرا برقراری این مالیاتها برطبق قانونی که ازطرف مجلس تصویب شده باشد نبوده و بایستی این قانون به عنوان ممنوعیت اخذ این مالیاتها تنظیم شود.

آقای یاسائی اظهارنمودند مالیاتهای صنفی همه‌ساله در جزء جمع مملکتی منظور و درضمن بودجه به تصویب مجلس میرسیده و عنوان (الغاء) هیچ اشکالی ندارد و اینکه تاریخ هم از اول سنهٔ (۱۳۰٦) معین شده است به این مناسبت بوده که عدهٔ از اصناف مالیات خود را پرداخته و بعضی نپرداخته‌اند و چنانچه از این تاریخ ملغی شود موجب تبعیض خواهد بود بالاخره سی و پنج فقره پیشنهاد از طرف عدهٔ از آقایان نمایندگان قرائت و به کمیسیون ارجاع شد.

شور اول ختم و برای ورود درشور ثانی رأی گرفته تصویب گردید.

خبر کمیسیون قوانین‌مالیه راجع بالغاء مالیات روده قرائت و آقای یاسائی اظهارنمودند نظربه‌اینکه ازطرف بلدیه بعضی عوارض به صنف قصاب تحمیل شده مقتضی‌است عبارتی دراین ماده اضافه شود که عوارض مزبور نیز متروک شود.

آقای فهیمی مخبر کمیسیون اظهار نمودند فعلا این ماده‌برای الغاء این مالیات به مجلس تقدیم شده و چنانچه عوارض دیگری از صنف قصاب مأخوذ میشود و صلاح نباشد بایستی مجلس رسیدگی نموده و درضمن قانون دیگری منع نماید.

کفایت مذاکرات تصویب و یک فقره پیشنهاد از طرف آقای یاسائی قرائت و به کمیسیون ارجاع و برای ورود در شور ثانی اخذ رأی شده تصویب شد.

خبر کمیسیون داخله راجع به قانون بلدی از مادهٔ ۱۹ مطرح و دو فقره پیشنهاد از طرف آقای میرممتاز راجع به‌مادهٔ مزبورقرائت و به کمیسیون مراجعه گردید.

درمادهٔ بیستم نیز مخالفی نبود و درمادهٔ بیست و یکم‌آقای آقاسیدیعقوب باحق تجدید انتخابات مخالف بوده واظهار مینمودند ممکن است دولت‌ها همین مسأله را در آتیه مأخذ قرارداده و در انتخابات مجلس شورای ملی مداخله کرده‌امر به تجدید انتخابات بدهند.

آقای ضیاء مخبر کمیسیون اظهار مینمودند در این‌جا حق مداخلهٔ در انتخابات بدولت داده نشده و برای خاتمه انتخاباتی که مورد اشکال واقع میشود تجدید انتخاب با موافقت نظر انجمن بلدی لازم است.

آقای احتشام‌زاده بامداخلهٔ انجمن‌بلدی درانتخابات‌مخالف بوده و آقای وزیر فوائد عامه بدواً آقای رهنما را بسمت معاونت وزارت فوائد عامه به مجلس شورای ملی معرفی نموده پس از آن سه فقره لایحه راجع به‌تقاضای اعتبار مبلغی برای مؤسسه دفع‌آفات حیوانی و استخدام یکنفر متخصص فرانسوی برای مؤسسه انستیتو پاستور و استخدام یک نفر متخصص فنی برای امور فلاحت تقدیم و به کمیسیونهای مربوطه ارجاع گردید.

سه فقره پیشنهاد از طرف آقایان میرممتاز، یاسائی و آقاسید یعقوب راجع به مادهٔ بیست و یک قانون بلدی قرائت وبه کمیسیون ارسال شد.

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصلهٔ نیمساعت مجدداً تشکیل و چون عده برای مذاکره کافی نبود بقیهٔ مذاکرات به‌جلسهٔ دیگر موکول و جلسهٔ آتیه به روز سه‌شنبه هشتم آذرماه سه ساعت قبل از ظهر و دستور آن بقیه دستور همین جلسه مقرر و مجلس بیست دقیقه قبل از ظهر ختم شد.

آقاسید یعقوب اظهار نمودند درضمن طرح راپورت کمیسیون قوانین مالیه اظهار داشته‌اند که باید خبر کمیسیون بودجه نیز برسد و نیز راجع به‌معرفی استعلام نموده‌اند که ذکر شده است یا خیر؟

آقای رئیس فرمودند درضمن طرح خرجی پیش‌بینی شده‌بود لذا طرح مزبور به کمیسیون بودجه ارجاع شد ولی بعد از اینکه کمیسیون قوانین مالیه تمام مالیات مزبور را الغاء نموده است‌دیگر عوائدی باقی نمی‌ماند که کمیسیون بودجه اظهارنظر نماید و معرفی نیز درصورت مجلس قید شده است. و دیگر مخالفی نبود و صورت مجلس تصویب شد ۸ آذرماه ۱۳۰۵ .

رئیس مجلس شورای ملی — سیدمحمد تدین

(منشی: سیدابراهیم ضیاء) (منشی: میرزا حسین‌خان‌سوقر)

صورت مشروح مجلس یکشنبه ششم آذرماه ۱۳۰۵ مطابق ۲۲جمادی‌الاولی ۱۳۴۵

صورت مشروح مجلس یکشنبه ششم آذرماه ۱۳۰۵ مطابق ۲۲ جمادی‌الاولی ۱۳٤٥ .

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل گردید.

صورت مجلس پنجشنبه سوم آذرماه را آقای آقاسید ابراهیم ضیاء قرائت نمودند.

رئیس — آقای زوار. (اجازه)

زوار— قبل از دستور عرض دارم.

رئیس — آقای محمدولی میرزا. (اجازه)

محمدولی میرزا — قبل از دستور.

رئیس — آقای شریعت‌زاده. (اجازه)

شریعت‌زاده — قبل از دستور.

رئیس — آقای مهدوی. (اجازه)

مهدوی — بنده در دستور عرضی دارم.

رئیس — نسبت بصورت مجلس مخالفی نیست؟

(گفتند — خیر)

رئیس — صورت مجلس تصویب شد. آقای زوار. (اجازه)

زوار— کشته ازبس که فزون‌است کفن نتوان کرد —بدبختی و فلاکت برای ملت و مردم از خارج و داخل طوری هجوم کرده است که بنده متحیرم از کجا شروع کنم و بکجا ختم کنم‌برفرض هم که کاملا شرح بدهم. نظر به امتحانات سابقه- گوش سخن‌شنو کجا دیده اعتبار کو- بالاخره نجابت و اصالت وقتی ازحد خودش خارج شد ایجاد فلاکت و بدبختی می کند کما اینکه کرده است!! برای اینکه از قرون متطالیه یا متوالیه به‌این طرف ملت نجیب ایران نسبت‌به‌همسایگان عزیزمحترم خود آنچه ازقوه‌اش بفعل‌آمده از همراهی و بروز صمیمیت وحفظ روابط حسنه و دوستی فروگذاری نکرده است. شرح آنرا به تاریخ نزدیک ایران رجوع بفرمائید. بنابراین تصور می کنم‌این‌اصالت و نجابت و مودت را حمل برضعف نفس یا اینکه حمل‌برعدم عزت‌نفس‌میشود تصور کرد ملاحظه بفرمائید تجار رشت تقریباً پانزده روز است تلگرافات متوالیه‌می کنند (هم به‌هیأت محترم دولت و هم به‌نمایندگان معظم ملت) که پانزده نفر از تجار را در بادکوبه گرفته‌اند و حبس کرده‌اند.

یک نفر از نمایندگان — شصت نفر...

زوار — شصت نفر.

آقا سید یعقوب — مال عثمانیها هم با ما است؟

زوار — و اموال آنها را هم گرفته‌اند و ضبط کرده‌اند! تجار محترم‌ترین عناصر مملکت هستند چرخ بزرگ کارخانه مملکت را تجاراداره می کنند. درهمه‌جای دنیا تجار محترم هستند ومیخواهم عرض کنم جنگهائیکه در دنیا اتفاق افتاد فقط برای اقتصادیات است. از تجار که صرف‌نظر کنیم یک نفر حمال خارجی را اگر ما بخواهیم این‌جا حبس کنیم از هرجا پروتست پشت پروتست‌میاید ولی امروز دوازده روز است که دوازده نفر از تجار محترم ایران را در بادکوبه‌گرفته‌اند وحبس کرده‌اند و تاکنون هیچ‌اقدامی نشده است وهروقت‌هم آن بیچاره‌ها با یک استمدادی خواسته‌اندو تصور کرده‌اند که واقعاً ما میتوانیم کاری بکنیم و به هیأت دولت‌مراجعه می کنیم میگویند اقدامات محرمانه شده است. این لفظ (اقدامات محرمانه) بقدری در ایران مبتذل شده است و هنوز هم ما در این مدت سلتفت ابتذال آن نشده‌ایم. آنوقت گفتند تجار ایران‌دزدند؟! ما هم تلگراف کردیم و گفتیم آقایان میگویند شما دزدید. دیروز ملاحظه فرمودید که در تلگراف‌شان‌جداً و قویاً تکذیب کردند و معلوم شد تجار ایران دزد نبودند . بنابراین خواهش می کنم از آقایان که اولا در این خصوص توجهی بفرمائید آخر اینهاتاجرند و مجلس شورای ملی را یگانه ملجاء وپناهگاه خودشان میدانند. حالا اگر بدردهای داخلی نمیرسیم اقلا بدرد آن بیچاره‌هائی که‌در خارج هستند برسیم!! هی ماکوشش کنیم که آقای وزیر خارجه بفرمایند. اقدامات لازمه! اقدامات لازمه!! اقدامات لازمه!! بالاخره‌عزت نفس ایرانیها درسر این اقدامات لازمه به‌هدر خواهد رفت استدعا می کنم آقایان در این خصوص یک بذل توجهی بفرمایند. همین‌طور ایرانیها در بین‌النهرین گرفتار انواع مشقات و زحمات هستند که اگر بشکایاتی که از بین‌النهرین میرسد ملاحظه بفرمائید خواهید دید که از ایرانی‌پست‌تر در بین‌النهرین نیست. ما چه میکنیم درمقابل اینها؟! می‌بینید هر روز خریدهای اتومبیل میدهیم! بطوریکه در روزنامها ملاحظه میفرمائید. آنوقت ما در مقابل اینها چه میکنیم؟! که اگر بنده بخواهم عرض کنم از نزاکت خارج شده‌ام و نباید هم خارج شوم. اعراب اینجا چه می کنند و ما این‌طور از آنها پذیرائی می کنیم‌اما آنها از ما اینطور در آنجا پذیرائی می کنند که همه میدانید ایرانیها در آنجا بچه فلاکت و بدبختی زندگی می کنند!! خواهش می کنم آقایان‌در این‌خصوص یک توجهی بفرمائید. آقایان. شما این‌جا مسؤول سعادت و شقاوت مملکت هستید اگر در اقصی نقاط مملکت یکنفر مظلوم واقع شود شما مسؤول هستید. آخر این ملت بیچاره ما را اینجا فرستاده‌اند برای چه؟ آمدن و نشستن و رفتن و ...؟! حقیقتاً نمیتوانم عرض کنم. بنده دو مرتبه آمده‌ام اینجا این دفعهٔ ششمی است که آمده‌ام اینجا فریاد کرده‌ام و داد کشیده‌ام از دست‌مأمورین کشوری از دست مأمورین مالیه و حکام که چه‌طور ملت از دست آنها در فشار و عذابند!! مأمورین مالیه و حکام و مأمورین جزء. ابقاء بجان و مال و مأمورین رعیت نمی کنند!! آخر چند دفعه‌تظلم بکنند؟ آخر آن کسانیکه مرا وکیل کرده‌اند و از دست رنج خودشان ماهی دویست تومان به بنده میدهند بنده جواب آنها را چه بدهم ؟ اگر بگویم این ششمین مرتبه است که بنده فریاد میکنم و نمایندگان ملت توجهی بحال شما ندارند که‌نمیتوانم چون آنها بکلی مأیوس می‌شوند. بنابراین تقاضا و استدعا میکنم از مقام محترم ریاست که امر بفرمایند در هر جلسه یک نفر از وزراءمسؤول

www.iran-archive.com

اینجا حاضر شوند و بعرایض نمایندگان قبل از دستور رسیدگی کنند و جواب بدهند والا بنده غیر از این چاره نمی‌بینم.

بعضی از نمایندگان — دستور.

رئیس — راجع به‌آن کلمه که آقای زوارگفتندالبته مسموعات است و به‌هر مسموعی نمیشود ترتیب اثر داد.

آقای مهدوی — (اجازه).

مهدوی — بنده میخواستم استدعا کنم راپرت کمیسیون قوانین مالیه راجع برونده چون یک ماده است و رفع زحمت هم از مردم میکند قبلا جزو دستور شود.

بعضی از نمایندگان — صحیح است.

رئیس — ممکن است موافقت فرمائید تا موقعی که خبر آن حاضر شود، خبرکمیسیون بودجه راجع به مالیات صنفی که آنهم یک ماده است مطرح شود.

جمعی از نمایندگان — صحیح است.

آقاسید یعقوب — بنده اجازه میخواهم.

رئیس — بفرمائید.

آقاسید یعقوب — چون مخبرکمیسیون بودجه حاضر نیستند گمان میکنم فعلا همان قانون بلدیه را مطرح کنیم بهتر است.

رئیس — از اعضاء کمیسیون بودجه جزو موافقین خیلی امضاء کرده‌اند. خبرکمیسیون بودجه راجع به‌الغاء مالیات‌های صنفی قرائت میشود.

بشرح ذیل قرائت شد

کمیسیون بودجه طرح قانونی جمعی از نمایندگان محترم راجع بالغاء مالیاتهای صنفی را با حضور هیأت محترم دولت تحت شور و مداقه قرارداده و با موافقت‌رئیس کل‌مالیه مادهٔ واحده ذیل را به ضمیمه تبصره تنظیم و برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی مینماید.

مادهٔ واحده — مجلس شورای ملی کلیه مالیاتهای صنفی‌را اعم از شهر و بلوکات (برطبق صورت ضمیمه) از اول سال ۱۳۰۶ ملغی مینماید و دولت مکلف خواهد بود این مالیات را از دفاتر دولتی حذف نماید.

تبصره — وزارت مالیه مکلف است از وصول بقایای مالیاتی سنواتی اصناف ضعیف و از بین رفته صرف‌نظر نموده و مطالبه‌ننماید.

رئیس — آقای رفیع. (اجازه)

حاج‌آقا رضا رفیع — بنده در تبصره عرضی داشتم.

رئیس — بفرمائید.

حاج‌آقا رضا رفیع — در اینجا نوشته‌اند (وزارت مالیه مکلف است در وصول‌بقایای سنواتی اصناف ضعیف). بنده با این کلمه ضعیف مخالفم برای اینکه ما یک مالیاتهائی در دورهٔ پنجم گذرانده‌ایم و به مردم وعده داده‌ایم که در مقابل این قبیل‌مالیاتها را الغاء کنیم حالا اینجا ضعیف و قوی که باشد تحصیل‌دار مالیه در آنجا همه را قوی میداند باستناد اینکه این خانه دارد. لباس دارد. و چه دارد. بنده معتقدم آقایان موافقت بفرمائید و این کلمه ضعیف را حذف کنند و بالاخره بنویسیم وزارت مالیه مکلف است از بقایای مالیاتی اصناف عموماً صرف‌نظر کرده مطالبه ننمایند پیشنهاد هم کرده‌ام.

رئیس — آقای حقنویس. (اجازه)

حقنویس — عرض کنم نظر اول بنده این بود که این مالیاتها بفاصله یک هفته موقوف المطالبه شود ولی اینجانوشته‌اند از اول سنهٔ ۱۳۰۶ موقوف‌المطالبه میشود بنده مخالفم با اینکه از سنهٔ ۱۳۰۶ موقوف‌المطالبه شود و معتقدم که ازحالا مطالبه نشود.

بعضی از نمایندگان — آقا مخالف بودند.

رئیس — آقای فرمند. (اجازه)

فرمند — بنده عرضی‌ندارم.عرایض بنده را آقای رفیع فرمودند

رئیس — آقای شریعت‌زاده. (اجازه)

شریعت‌زاده — آقای حقنویس که جزو موافقین بودند یک توضیحاتی دادند (که با اینکه بایستی موافق باشند) مخالفت با ماده داشت به این جهت بنده مخالفت خودم را اظهار می‌کنم‌بنده با الغاء این قبیل جمعهای مضرالبته‌اصولا موافقم ولی با طرزتنظیم این ماده و تبصره مطابق توضیحاتیکه میدهم مخالفم. بنده اساساً معتقد نیستم که در تنظیم مواد راجعه به‌این قبیل مسائل طوری تعبیر بشود که متضمن تصدیق قانونی بودن جمع‌آوری این قبیل وجوه باشد زیرا بنده معتقدم که این قبیل وجوه در نتیجه یک پیش‌آمدهائی که هیچ جنبه قانونی نداشته به‌مردم تحمیل شده و همینطور در جزو جمع مانده است. بنابراین بنده نمیتوانم‌اسمش را یک مالیاتی بگذارم که حالا لغو شود و معتقدم که مجلس شورای ملی باید منع کند که این مالیاتها جمع‌آوری نشود. قسمت دیگر این است که از سنه ۱۳۰۶ مقرر داشته‌اند که اینکار بشود بنده مخالفم زیرا اگر این کار بدی است؟ از تاریخ تصویب این قانون باید منع شود. قسمت دیگر هم مربوط به تبصره است که گفته میشود اصناف و طبقات از بین رفته. اگر اشخاصی از بین رفته باشند؟ که ما لازم‌نیست برایشان قانون وضع کنیم. البته کسی که از بین رفته مالیات نمیدهد. صحبت در این است که اینکار بدادامه پیدا نکند. به‌این مناسبت بنده مخالف هستم و در این زمینه‌ها هم یک پیشنهادی تنظیم شده است و تقدیم میشود.

رئیس — آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی — اینکه آقای شریعت‌زاده میفرمایند اینها مالیات نبوده است. و عوارض بوده است که بر مردم تحمیل میشده بنده‌هم تصدیق می‌کنم که بالاخره مجلس ننشسته که یک مالیاتی را برقرار کرده باشد ولی جزو جمعش را که در دوره استبداد میگرفته‌اند در یکی از ادوار مجلس یعنی در دوره اول آن جزوجمع را بطورکلی مجلس تصویب‌کرده مالیاتهای ارضی هم مطابق ممیزیهائی که در زمان استبداد شده بود همان موقع به‌تصویب مجلس رسید و مالیات‌های صنفی هم همان وقت جزو جمع بوده است در هر سال هم جزو عایدات مملکتی درضمن بودجه بتصویب مجلس شورای ملی میرسیده در این صورت نمیتوانیم بگوئیم مالیات نبوده بعلاوه حالا دعوای لفظی که نداریم. به‌هر صورت مالیات یا عوارض یا تحمیلات یا به هر عنوان یک چیزهای بدی است که

بالاخره باید از بین برود. اما اینکه فرمودندچرا ازاول سنهٔ ۱۳۰۶ ملغی شود و بهتر این است که از حالا ملغی شود بنده هم موافقم ولی با مذاکرهٔ که با دولت و رئیس کل مالیه شده است اینطور آنها اظهارکردند که حالا اگر بخواهیم ملغی کنیم تبعیض میشود زیرا یک قسمت از مردم تا این روزها مالیات صنفی خودشان را پرداخته‌اند و یک قسمت کمی نپرداخته‌اند و موجبی ندارد که‌ما یک قسمت یعنی ثلث از مؤدیان را معاف کنیم مگر اینکه پیش‌بینی شود آنهائی هم‌که مالیات ۱۳۰۵ را داده‌اند مسترد دارند اینهم بنظر بنده غیرعملی است . معذلک پیشنهاد کنند اگر اعضاء محترم کمیسیون موافقت کردند بنده هم موافقم.

بعضی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — پیشنهادات واصله قرائت و به‌کمیسیون ارجاع میشود این را هم میخواستم تذکر بدهم که این لایحه دو شور دارد (پیشنهادات بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای روحی — پیشنهاد میکنم که الغاء مالیات سرشماری نیز ضمیمه الغاء مالیاتهای صنفی شده و قانون الغاءمالیات صنفی و سرشماری خوانده شود.

پیشنهاد آقای فیروزآبادی — بنده پیشنهاد میکنم که در تبصره نوشته شود وزارت مالیه مکلف است از وصول بقایای‌مالیات سنواتی صرف‌نظر بنماید و مطالبه نکند.

رئیس — پیشنهاد آقای اعتبار هم در همین زمینه است.

پیشنهاد آقای حائری‌زاده — بنده عوض مادهٔ واحده دوماده ذیل را پیشنهاد میکنم :

اول — مجلس‌شورای‌ملی کلیه مالیاتهای‌صنفی را اعم‌از شهر وقصبات و بلوکات بهراسم ورسم از اول سال۱۳۰۶ ملغی مینماید ودولت‌مکلف خواهد بود این‌مالیات را ازدفاتر دولتی حذف نماید.

دوم — وزارت مالیه مکلف است پس از تصویب این‌قانون از وصول بقایای مالیات‌اصناف صرف نظر نموده و مطالبه ننماید.

پیشنهاد آقای‌یاسائی — بنده پیشنهاد میکنم الغای‌مالیاتهای: اصطرخی، داغ پولی — مرسوم سفره — خانه دودی — چارکه — مالیات کدخدا به صورت مالیاتهای صنفی شود.

رئیس — پیشنهاد دیگر آقای یاسائی — موافق با پیشنهاد آقای روحی است که سرشماری هم ضمیمه شود.

پیشنهاد آقای رفیع — پیشنهاد میکنم تبصره اینطور نوشته شود: تبصره — وزارت مالیه مکلف است از وصول بقایای مالیات سنواتی اصناف صرف‌نظر نموده و بهیچوجه مطالبه ننماید.

پیشنهاد دیگر آقای رفیع — پیشنهاد میکنم که در صورت مالیاتهای صنفی که باید ملغی شود اضافه شود مالیات‌کرجی کوچک و بزرگ در سواحل و مالیات چوبهای مصرف شهری که به شهر وارد میکنند.

پیشنهاد آقای غلامحسین میرزا — بنده پیشنهاد میکنم مالیات خرج سفره حکام و تومانی نهصد دینار خرج سفره نیزضمیمه مالیاتهای محذوفه گردد.

پیشنهاد آقای‌عمادی — بنده پیشنهاد میکنم‌صنف‌دست‌فروش و صنف کرجی‌چی‌ها در جزو اصناف مالیاتشان الغاء شود.

پیشنهاد آقای میرزا عبدالله‌خان وثوق — بنده پیشنهاد میکنم چهار قلم ذیل علاوه‌بر اقلام مالیاتهای صنفی بشود صنف قام فروش، جماعت حکاک، جماعت جولا — قولک قصابی.

پیشنهاد آقای احتشام‌زاده — بنده پیشنهاد میکنم مالیاتهای ذیل بصورت ضمیمه مادهٔ واحده اضافه شود مالیات سنگ‌کج و آهک — مالیات اجازه سوخت کوره‌های آجری و گچ و آهکی.

پیشنهاد آقای فهیمی — بنده پیشنهاد میکنم بجای از اول سال ۱۳۰۶ نوشته شود از تاریخ تصویب این قانون.

پیشنهاد آقای میرزا یدالله‌خان — بنده پیشنهاد میکنم در تبصره جمله ضعیف و از بین رفته حذف شود.

پیشنهاد آقایان امامی و مقدم وعصر انقلاب — بنده‌پیشنهاد میکنم بعد از کلمه شهرها کلمه قصبات علاوه شود.

پیشنهاد آقای محمدولی میرزا — تبصره دو را پیشنهاد میدارم در هذه‌السنه ۱۳۰۵ فقط مالیاتهای صنفی برطبق صورت منضمه که به مجلس تقدیم شده اخذ خواهد شد.

پیشنهاد آقای مهدوی — بنده پیشنهاد میکنم بصورت ضمیمه علاوه شود قالی‌بافها که در منازل یا دکاکین متعلق‌بخود قالی‌بافی مینمایند بعنوان مالیات صنفی یا مستقل‌چیزی گرفته‌نشود.

پیشنهاد آقای نگهبان — بنده پیشنهاد میکنم‌مالیات بلم‌رانی نیز در جزو مالیات اصناف ملغی شود.

پیشنهاد آقای حقنویس — بنده پیشنهاد میکنم که بجای از اول سال ۱۳۰۶ از زمان تصویب قانون نوشته شود.

پیشنهادات شریعت‌زاده — پیشنهاد میکنم برصورت ضمیمه مالیات دلالی و دست‌فروشی اضافه شود.

پیشنهاد آقای فرهمند — بنده پیشنهاد میکنم‌بجای جمله از اول ۱۳۰۶ نوشته شود از تاریخ تصویب این‌قانون ملغی‌مینماید.

رئیس — پیشنهاد آقای دکتر طاهری هم در همین زمینه است.

پیشنهاد دیگر آقای دکترطاهری — پیشنهاد میشود درسطر دوم از مادهٔ واحده بعد از کلمه بلوکات کلمه (و ایلات) اضافه شود و بعد از کلمه ضمیمه و (غیره) علاوه شود - دکتر طاهری.

پیشنهاد آقای محمد ولی‌میرزا — پیشنهاد میکنم مالیات موسوم به‌احتسابیه نیز در جزو اقلام موقوف گردد.

پیشنهاد آقای فرشی — بنده پیشنهاد میکنم اصناف ذیل بصورت منضمه علاوه شود:

یمنی‌دوز — چکمه‌دوز — بهله‌دوز — قمه‌ساز — کچ بز —

پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب — پیشنهاد میکنم در مادهٔ واحده بعد از کلمه بلوکات اضافه شود وایلات و بین‌الهلالین نوشته شود قراء و قصبات.

پیشنهاد آقای عدل — پیشنهاد میکنم در بین‌الهلالین بجای (برطبق صورت ضمیمه) نوشته شود : کلیه مالیاتهائیکه در جزو جمعهای سابق بعنوان مالیات صنفی منظور بوده است اعم از اینکه درصورت ضمیمه قید شده و یا نشده باشد.

www.iran-archive.com

پیشنهاد آقای وزیری — بنده پیشنهاد مینمایم در تبصره نوشته شود از تاریخ تصویب ملغی شدن مالیات صنفی و سرشماری اعم از بقایا و سنه ۱۳۰۵ دیگر مطالبه نشود.

پیشنهاد آقای فرهمند — بنده پیشنهاد میکنم مالیات آب پولی اضافه ضمیمه شود.

پیشنهاد آقای آقاسیدمحمد تقی طباطبائی — بنده پیشنهاد میکنم جوراب‌دوزی — تفنگ‌سازی — آجیده، چلنگری — گاوداری ضمیمه شود.

پیشنهاد آقای سیرمتاز — پیشنهاد میکنم عبارت (برطبق صورت ضمیمه) بکلی حذف شود.

پیشنهاد آقای طباطبائی وکیلی — بنده پیشنهاد مینمایم الغای مالیات صنفی وقتی باعث رفاه اصناف و کسبه خواهد شد که دولت برای کرایه دکاکین و مستغلات هم نظامنامه تهیه نماید والا با این روزافزونی کرایه‌تجار، کسبه و مستأجر در زحمت‌خواهد بود.

آقاسید یعقوب — این پیشنهاد مال کی بود؟

رئیس — پیشنهاد آقای طباطبائی وکیلی بود. (آقای اجلال الملک سابق).

پیشنهاد آقای حق‌نویس، ذوالقدر و آقای علی زارع.

(بترتیب ذیل خوانده شد)

اینجانب پیشنهاد میکنم که مالیات پیله‌وری هم ضمیمه شود.

پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب. مادهٔ الحاقیه را پیشنهاد میکنم متخلفین از این قانون از مأمورین مالیه و کدخدایان محل از دو تا پنجسال محبوس و از خدمت دولتی منفصل خواهد بود.

پیشنهاد آقای شریعت‌زاده — پیشنهاد میکنم مادهٔ واحده و تبصرهٔ آن بترتیب ذیل اصلاح شود.

مادهٔ واحده — مطالبه و وصول وجوهی که برطبق صورت ضمیمه بعنوان مالیاتهای صنفی معمول بوده و از کسبه و اصناف مختلفه مأخوذ می‌شد از تاریخ تصویب این قانون در تمام مملکت ممنوع است.

تبصره — وزارت مالیه مکلف است این قسمت از عایدات را از دفاتر جمع دولتی حذف و همچنین مطالبه و وصول بقایای سنواتی مربوطهٔ به آن را منع نماید.

رئیس — رأی گرفته میشود به شور ثانی این خبر. آقایانی که موافقند قیام فرمایند.

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به‌الغای مالیات روده قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

مادهٔ واحده — مجلس شورای ملی قانون مصوبه ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹ و قانون ۱۸ بهمن ۱۳۰۴ راجع بروده را الغاء نموده و از این تاریخ تجارت و بعمل آوردن و خرید و فروش روده و منضمات آن بطور مطلق در تمام مملکت ایران آزاد و از هرگونه عوارض معاف خواهد بود.

رئیس — آقای یاسائی. (اجازه)

یاسائی — بنده با این ماده موافقم ولی قصابهای طهران هم مدتی است شکایت زیادی می‌کنند از اینکه یک عوائدی از نو از بابت روده و ذبایح و غیره به آنها تحمیل شده است. بنده فکر میکردم در این ماده اگر یک چیزی اضافه شود که شامل الغای اینگونه عوارض بشود بهتر است و البته اگر مطابق قوانین یک عوارضی برای بلدیه‌ها پیش‌بینی و به مجلس پیشنهاد شود و در عوض طوری شود که دیگر بلدیه‌ها از قصابها چیزی دریافت نکنند خیلی بهتر است. الان هم در این موضوع یک اختلافات و دو دسته‌گی‌هائی بین قصابان هست یکدسته هستند که چیزی نداده‌اند و نمیدهند و شاکی هم هستند و یکدستهٔ دیگر میدهند. و روی هم رفته این یک رویهٔ مطلوبی نیست که با بودن مجلس شورای ملی بلدیه‌ها یک عوارضی بگیرند.

فهیمی مخبر کمیسیون قوانین مالیه — موضوعی را که آقای یاسائی اظهار فرمودند شاید صحیح باشد لکن در این قانون مقصود اتخاذ تصمیمی است راجع به مالیات روده. اعم از جنسی یا نقدی و مقصود این است که تکلیف این مالیات معین شود. در موقعی که در کمیسیون راجع به این مذاکره میکردیم عنوان شد که اگر این محل موقوف شود شاید مقتضی باشد که یک مالیاتی بر ذبایح برقرار شود و بالاخره با این قسمت هم کمیسیون موافقت نکرده وعجالتاً چون مسألهٔ مالیات روده بدلائل معروضه اسباب زحمت مردم شده و این تجارت را ازبین برده این قسمت را مجلس تصویب میکند و در آن قسمتهائی که آقای یاسائی فرمودند فعلا اطلاعاتی نیست و میبایستی مجدداً درثانی رسیدگی شود تا مجلس یک تصمیمی بگیرد ولی عجالةً علی‌العمیا و ندانسته نمی‌شود یک مسائلی را مخلوط کرد با یک مسألهٔ که فعلا مطرح است.

رئیس — آقای فرمند. (اجازه)

فرمند — موافقم.

رئیس — آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسید یعقوب — بنده یک نظری دارم و آن این است که نمیدانم آیا این مسأله در دخل و خرج مملکت اثری دارد یاخیر؟ و چیزی کم میشود از عوائد یا نه؟ بنده که عضو کمیسیون بودجه بودم ندیدم که این لایحه در کمیسیون بودجه بیاید. حالا خواستم سؤال کنم اگر در عایدات مملکتی مدخلیت دارد باید کمیسیون بودجه در این کار نظر داشته باشد.

مخبر — در دو سال پیش این عوارض عوائد نسبةً مفیدی داشته. لکن سنهٔ گذشته بواسطهٔ اجرای قانون بهمن ۱۳۰۴ عوائد آن تقریباً به‌صفر رسیده است که گویا پارسال کلیةً سیصد وبیست و هفت تومان عایدی داشته است و رئیس مالیه هم اظهار کرده است که اگر این عوارض موقوف شود تأثیری در بودجه که ما برای ۱۳۰۵ و ۱۳۰۶ تهیه کرده‌ایم نخواهد داشت.

بعضی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

یکنفر از نمایندگان — شور در کلیات است.

رئیس — این قانون کلیات ندارد. یک ماده است اینجا کلی منحصر بفرد است. دو شور هم دارد. آقای شیروانی مخالفید با کفایت مذاکرات؟

شیروانی — بلی.

رئیس — بفرمائید.

شیروانی — بنده یک نظریاتی در این ماده دارم که چون منحصر به‌یک ماده است اگر اجازه بفرمائید لازم است عرض کنم. چون این موضوع یک موضوع مهمی است و بیشتر در اطراف این موضوع باید صحبت کرد که یک قانونی بعجله از مجلس نگذرد.

رئیس — رأی گرفته میشود به کفایت مذاکرات. آقایانی که موافقند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس — کافی شد. پیشنهاد آقای یاسائی قرائت میشود.

(این قسم قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که گرفتن عوارض بعنوان ذبایح نیز موقوف است.

رئیس — ارجاع میشود به کمیسیون. پیشنهاد دیگری نرسیده است رأی گرفته میشود بشور ثانی این ماده آقایانی که موافقند قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس — تصویب شد. خبر کمیسیون داخله راجع به‌قانون بلدی مطرح است مادهٔ نوزدهم قرائت میشود.

(بترتیب ذیل قرائت شد)

مادهٔ ۱۹ — اعلان ملیت نظار و ترتیب دادن تعرفه و اخذ رأی و حفظ و استخراج آراء و مراسمی که برای انجام این وظیفه باید رعایت شود تا موقعی که استخراج آراء خاتمه می‌یابد مطابق مواد ۴ و ۵ و ۷ و ۲۰ تا ۳۴ و مادهٔ ۳۹ و ۴۱ قانون انتخابات مجلس شورای ملی مصوب مهرماه ۱۳۰۴ میباشد.

رئیس — مخالفی ندارد؟ (گفته شد خیر)

رئیس — پیشنهادات قرائت میشود.

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم به مادهٔ نوزده تبصرهٔ ذیل علاوه شود:

تبصره — انجمن نظار حتی‌الامکان محل انعقاد جلسات خود را برای دادن تعرفه و اخذ رأی در مرکز شهر قرار خواهند داد تا اهالی بسهولت بتوانند در انتخابات شرکت نمایند.

رئیس — پیشنهاد دیگر آقای سیرمتاز.

(به‌این مضمون خوانده شد)

پیشنهاد میکنم مواد ۱۸ و ۱۹ و ۴۶ قانون انتخابات مجلس شورای ملی جزء مادهٔ ۱۹ علاوه و تبصرهٔ ذیل اضافه شود.

تبصره — عبارت «انجمنهای فرعی» از مادهٔ ۲۱ حذف و جملهٔ «حضور وکلاء بلدی» در مادهٔ ۴۳ قانون انتخابات مجلس شورای ملی در موقع انتخابات بلدی قید شود.

رئیس — پیشنهاد آقای شیروانی.

(به این عبارت خوانده شد)

پیشنهاد میشود در مادهٔ واحده...

رئیس — این مال اینجا نیست جزء مادهٔ سابق است. ارجاع میشود به کمیسیون. ضمیمهٔ مالیات روده است. مادهٔ بیستم قرائت میشود.

(این طور خوانده شد)

مادهٔ ۲۰ — صورت مجلس انتخابات را منشی هیأت نظار در دو نسخه تحریر نموده بامضای رئیس و اعضاء میرساند. یک نسخه به ادارهٔ حکومتی داده و نسخهٔ دیگر باکتابچه ثبت تعرفه و صورت مجلسهای یومیه به‌انجمن بلدی تسلیم میشود.

رئیس — مخالفی ندارد؟

(گفتند خیر)

رئیس — مادهٔ بیست و یکم قرائت میشود.

مادهٔ ۲۱ — شکایت از انتخابات بلدی مانع از جریان امر انتخابات نمیشود مگر وارد بودن شکایات را هیئت نظار پس از رسیدگی تصدیق نماید درین صورت در همان قسمتی که موضوع شکایت است هر نوع خللی در صحت جریان انتخابات وارد آمده رفع و درصورت لزوم با موافقت انجمن بلدی قرار تجدید را میدهد و در هر حال شرح شکایت و رسیدگی و قراری که داده شده است در صورت مجلس درج میشود.

رئیس — آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسید یعقوب — بنده کاملا توجه دارم به اینکه اعضاء محترم کمیسیون داخله برای خاطر ورود شکایاتی که از انتخابات مجلس شده است ناچار شده‌اند که در این‌جا این مادهٔ که در قانون انتخابات است که «شکایات از انتخابات مانع از انجام آن نمیشود» وارد کنند ولی در آنجا این حق را نداده‌اند که انجمن اعلان تجدید انتخابات را بدهد و در این‌ماده برخلاف آن اقدام کرده‌اند و این عبارت را نوشته‌اند که در صورت لزوم با موافقت انجمن بلدی قرار تجدید انتخاب را بدهند. عقیدهٔ بنده درست برخلاف اینست اگر چنانچه این معنی در ذهن ما بیاید وباصطلاح جدید پروپاگاند بشود آن وقت کم کم ذهنها متوجه خواهد شد و دولت وقت که هیچ وقت هیچ دولتی مایل نیست که مجلس شورای ملی افتتاح پیدا کند... چون دولتها ابداً به‌این کار مایل نیستند و میل ندارند مجلس باشد. منتهی این یک بلائی است که به جان آنها افتاده وایران بدون مجلس شورای ملی ممکن نخواهد بود و نمیتواند زندگی بکند و دو روز اگر نباشد دولتها هم نمیتوانند زندگی کنند دنیا همچو خواسته‌است که مجلس باشد و پشتیبان این آقایان باشد. پس اگر ما این ترتیب را کم کم معمول کنیم که قرار تجدید انتخابات را بدهیم دولتهای وقت ممکن است ازین طریق یک سوء استفاده‌هائی بکنند و هیچ وقت در افتتاح مجلس شورای ملی تسریع نخواهند کرد چنانچه غالباً متعذر میشوند باینکه ما تسریع امر انتخابات را کاملا تعقیب کردیم ولی ناچارشدیم تجدید کنیم درصورتی که شاید از هرطرف تعویق کرده و اسباب خرابی انتخابات را فراهم کرده‌اند. بنده عقیده‌ام اینست که ما همان قانون انتخابات را درنظربگیریم و ابداً حق تجدید انتخابات را بدولت ندهیم و دربارهٔ انجمن

www.iran-archive.com

بلدی هم مطلقاً حق تجدید انتخاب داده نشود. شکایت ازسوء جریان انتخابات هیچ مانع ازجریان انتخابات نیست. انجمن نظارت انتخابات باید جریان خودش را خاتمه بدهد و صورت مجلس تهیه کند وبرد بهیئت حاکمه. وآن هیئت حاکمه حکم خودش را بکند. حالا شما اگر میفرمائید که درکارشان فلان طور شد البته موارد نادره باعث نمیشود که ما از موارد کلی دست برداریم و البته منافع اینکه تجدید انتخاب نشود بیشتر است ازاینکه ما ناچار شویم وبگوئیم تجدید انتخاب شود. پس عقیدهٔ بنده این است که اعضاء محترم کمیسیون این مسألهٔ تجدید انتخابات را بهیچ وجه قائل نشوند وبواسطهٔ اینکه منافع آن از دست ماخارج خواهد شد و پیشنهادی هم دراین زمینه تقدیم کرده‌ام این‌است عرایض بنده

مخبر ـ کمیسیون اصلا درنظرداشته است که انتخابات انجمن بلدی را خیلی دور از ترتیب انتخابات مجلس شورای ملی رأی ندهد. وسعی کرده است که حتی‌الامکان موادی که در قانون انتخابات مجلس شورای ملی از تصویب مجلس‌گذشته‌است در مورد انتخابات انجمن بلدی هم رعایت شود وانتخابات‌انجمن‌بلدی هم مثل مجلس شورای ملی باشد از چند نقطهٔ نظر. یکی‌اینکه طرز انتخابات در مملکت حتی الامکان یک‌نواخت و یک جور باشد از قبیل اینکه طرز انتخابات این‌جور باشد و صندوق راباین طریق مهر کنندو این نحو ضبط کنند. وظیفهٔ منشی چیست. وظیفهٔ رئیس چیست، باین معنی یک موادیکه ازتصویب مجلس‌گذشته است هروقت یک انتخاب ملی لازم شد ازآن موادی که هست و از تصویب مجلس‌گذشته است‌بیشتر استفاده شود، روی همین‌نظرهم مادهٔ نوزدهم وغالب موادیکه‌لازم بوده است از قانون انتخابات مجلس شورای ملی‌گرفته شده، دراین قسمت‌آقای آقاسید یعقوب اشاره فرمودند که ممکن است دولت مداخله کند ، بنده هرچه نگاه میکنم‌دراینماده هیچ‌جا ذکرنشده که دولت حق مداخلهٔ در انجمن و انتخاب انجمن را دارد، اینجا ذکرشده‌است که‌شکایت از انتخابات مانع جریان از امر انتخاب نمیشود، انتخابات انجمن بلدی‌جریان‌خودش را مطابق این‌قانون تعقیب میکند. اگراشخاصی شکایت دارند ازجریان انتخابات در ذیل ماده تصریح شده است که انجمن بلدی که موجود است، وباوجود انجمن بلدی انتخاب انجمن بلدی شروع میشود. پس انجمن همیشه نظارت دارد واین شکایات مستقیماً بانجمن بلدی میرود و انجمن دراین شکایات تجدید نظرمیکند و دریک موردی که انتخابات برخلاف قانون بوده است یک انجمنی که مداخله در امرملی میکند این انجمن کاملا رعایت مواد وجریانات و دقایق قانونی را میکند وقتیکه‌این مواد شکایت درانجمنی‌بلدی آمد انجمن‌رسیدگی میکند، اگرانتخاب آنقسمت لغو وباطل وبرخلاف قانون بوده است قرارتجدید میدهد و انتخابات جریان خودش را دارد، حالا ممکن است پیشنهادهم بفرمایند.

رئیس ـ آقای احتشام زاده. (اجازه)

احتشام‌زاده ـ بنده در مواقعی که لازم بشود ونواقصی در جریان‌کار پیدا بشود با لزوم تجدید انتخابات موافق هستم ولی چیزی که هست انجمن نظار را مسئول صحت جریان انتخابات و مباشر انتخابات میدانم ومعتقدم که بایستی انجمن نظار دراین مسأله مستقل باشد وموکول‌کردن بانجمن بلدی دراینجا مانع کردن بانجمن بلدی دراینجا مانع استقلال انجمن نظار میشود. و ممکن هم هست از طرف انجمن بلدی اعمال نظر بشود که‌البته باید ازآن جلوگیری کرد وبالاخره بنده با جلب نظر انجمن بلدی درموقع انتخابات مخالفم.

رئیس ـ آقای وزیر فوائد عامه.

وزیر فوائد عامه ـ با این بار خیلی‌گرانیکه بر دوش بنده است خودم را محتاج دیدم باینکه یک‌کمک فعال‌تری برای خودم اختیارکنم از اینجهت آقای رهنما را بمعاونت خودم معرفی میکنم‌و در چند روز پیش هم اینجا وعده‌کردم که برای دفع آفات حیوانی یک مساعدتهای فوق‌العادهٔ از مالیه بخواهیم وباینکار بپردازیم ومقصودم این بود که خیلی زودتر این لایحه‌را بیاورم بمجلس ولی خوب دیگر جریانات اداری طول کشید و بالاخره اهمیت این مسأله هم واضح است واگر ششماه پیشتر این کار راکرده بودند یقیناً مفیدتر بوده ولیکن ضرررا هر جاجلوبگیرند نفع است . یک‌مسألهٔ مهم دیگر که مدتهاست در بین است و مذاکره میشود والبته امروز هم خیلی اهمیت دارد مسألهٔ‌اساس دادن صحیح علمی است بانستیتوپاستور واز این نظر یک‌نفر متخصص بادولت فرانسه‌مذاکره‌شده است وخود انستیتویکنفر معین کرده است که‌استخدام شود ، یک‌لایحه دیگر راجع‌است باستخدام یکنفر آدم فنی که برای فلاحت استخدام میشود تقدیم مجلس شورای ملی میکنم.

رئیس — کمیسیونهای مربوطه ارجاع میشود .

حائری‌زاده — تنفس .

رئیس — اجازه بدهید تکلیف اینجا تعیین شود .

بعضی از نمایندگان — مذاکرات کافیست .

رئیس — پیشنهادات واصله قرائت میشود .

(بشرح آتی قرائت شد)

پیشنهاد آقای میرممتاز — بنده پیشنهاد مینماید تبصرهٔ ذیل بمادهٔ ۲۱ علاوه شود :

تبصره — در نقاطیکه انجمن بلدی داشته باشد هیئت نظار در طهران با موافقت وزارت داخله و در سایر شهرها با موافقت اداره حکومتی قرار تجدید را میدهد .

پیشنهاد آقای یاسائی — بنده پیشنهاد میکنم سطر اول‌مادهٔ ۲۱ اینطور اصلاح شود : شکایت از انتخابات بلدی موجب وقفه یا توقیف انتخابات نمیشود .

پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب — پیشنهاد میکنم که‌سطر ۲۱ در صورت لزوم ، تا (در هر حال) حذف شود .

رئیس — چند دقیقه تنفس داده میشود .

(دراینموقع جلسه برای تنفس تعطیل وپس از نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس — عده برای مذاکرات کافی نیست.

آقاسید یعقوب — اجازه میفرمائید ؟ بنده عرض‌دارم.

رئیس — عده کافی نیست.

آقاسیدیعقوب — آخر عده کافی نیست تکلیف چیست ؟ وزیر که در قسمت‌امور مالی‌مسئول نیست واختیار ندارد. معاون‌را هم نمیگذارید انتخاب کند، این چه‌وضعی است ؟! باید تکلیف معلوم شود !!

رئیس — علی‌ای‌حال جلسه مطابق معمول روز سه‌شنبه سه‌ساعت قبل ازظهر . دستور هم بقیه دستور امروز .

(مجلس بیست دقیقه قبل ازظهر ختم شد)

رئیس‌مجلس شورای ملی — سیدمحمدتدین

منشی : سیدابراهیم ضیاء منشی : امیرتیمور کلالی

www.iran-archive.com